مدیریت شهری
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016
۳۲۷-۳۵۴
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۳/۴ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۱/۶

بررسی مفهوم مدیریت شهری در شهر اسلامی از دیدگاه متون و روایات دینی با رویکرد فراترکیب

فضل الله پژواک* – کارشناس ارشد شهرسازی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

چکیده

بحث در خصوص این که شهر اسلامی چیست و دارای چه ویژگی ها و مؤلفه ای است از مهمترین موضوعاتی است که لازم است در حوزه مدیریت شهری در شهرهای اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. بر این اساس، به نظر می‌رسد پاسخگویی و طرح چنین پرسشهایی لازم تا آرمان‌شهر اسلامی بازشناسائی شده و با شناسائی و احصاء مولفه های مدیریتی آن، امکان تحقق و بازآفرینی شهر اسلامی شیعی فراهم گردد. این آرمان‌شهر اسلامی دارای مؤلفه ها و ویژگی‌های خاصی است که آن را از سایر شهر و جوامع دیگر تمایز می‌کند. این ویژگی‌ها در واقع ناظر به نوع نگاه انسان مؤمن و مسلمان به پدیده‌های نظیر دنیا، آخرت، انسان، جهان و خدا است. در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به ویژگیهای مدیریتی در شهرهای اسلامی با تاکید بر شهرهای شیعی پرداخته شده و ابعاد نظری و مفهومی آن واکاوی می شود. در پایان ویژگیهای نظری و اصول پدیداری عملی آن به تفصیل مورد اشاره قرار می گیرد.

واژگان کلیدی: مدیریت شهری، شهر اسلامی، شهر شیعی.

Management of the Shiie Islamic cities

Abstract

Discussion on the Islamic city is: What characteristics and components of the important issues that need to be studied in the field of urban management in Islamic cities. Therefore, it seems necessary to answer such questions and to Islamic utopia recognition and its management by identifying and recognized components, the possibilities and provide recreation Shiite Muslim city. The Islamic utopia features and characteristics that will distinguish it from other cities and other countries. These features, in fact, refers to the approach to phenomena such as believer and Muslim world, the hereafter, man and the universe and God. In this article, descriptive - analytical and managerial qualities in Islamic cities in Shiite cities studied, with emphasis on theoretical and conceptual aspects of the analysis. At the end of the characteristics mentioned in detail theoretical and practical principles is phenomenal.

Keywords: urban management, city of Shiites.

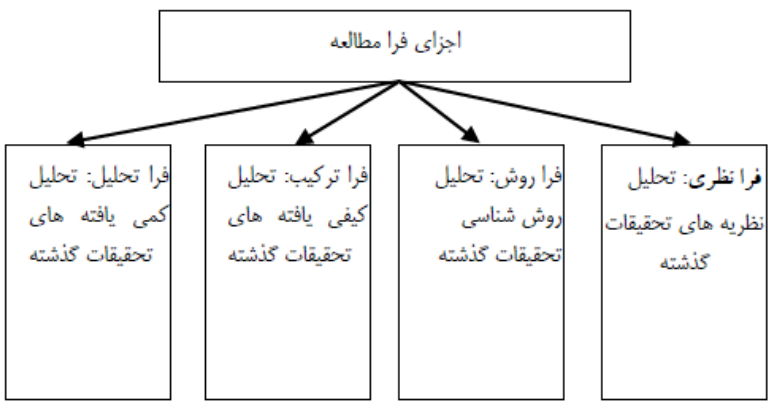
* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس:۰۹۱۲۸۷۲۳۰۰۴، رایانامه: f.pezhvak@yahoo.com

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

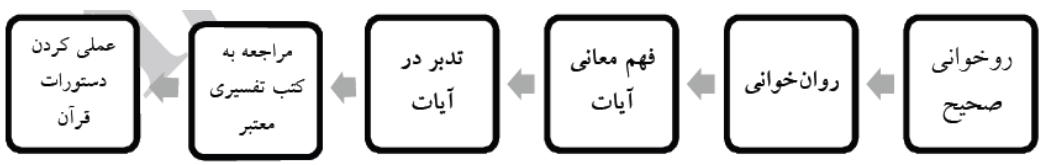
مقدمه

امید به پیروزی نهایی حق و غلبه نیکی ها بر پلیدی ها و حاکمیت بهروزی و نیک فرجامی برای بشریت و برقراری ارزش های انسانی و تشکیل مدینه فاضله دینی یا آرمان شهر اسلامی، از مهم ترین امیدها، ایده ها و آرمان های بلند بشری است. این امید در همه ادیان الهی تجلی یافته و از جمله مشترکات مهم ادیان الهی محسوب می گردد. این مهم، با مقوله مدیریت مطلوب و بایسته، پیوندی ذاتی و ساختاری دارد؛ یعنی در فضای مدیریت عالی و مطلوب است که امیدواری اجتماعی و حاکمیت اندیشه های متعالی روی خواهد نمود و در این صورت است که آرامش اجتماعی، رشد اجتماعی و ارزش مداری و حق محوری، در درون واقعیتهای اجتماعی نهادینه خواهد گردید. مدیریت اسلامی، مدیریت ناظر به اندیشه های پویایی است، و دارای عنصر اثربخشی می باشد و این نوع از مدیریت، به واقع موجی از امواج کلی و قدسی امامت اسلامی است و در طول آن قرار دارد. ساختار این مدیریت، ذوب شدگی در حق، از هر مداری تقواپیشگی، دوری از منفعت طلبی ها و شخص محوری هاست، که با این وصف، رکنی مهم از ارکان تحول بخش توسعه جامعه دینی و الهی است و در ساختمان فلسفه سیاسی اسلام از جایگاهی والا و ممتاز برخوردار است، زیرا فلسفه سیاسی اسلام، فلسفه پویایی و بهکرد امور اجتماعی و نهاد حکومت و قدرت و کلیه ساختارها و واحدهای اجتماعی و در راستای ارزش های بنیادین اسلام است. مدیریت شهری، به واقع، مجری سیاست های کلی و بلندی است که ملهم از روح تعالی اسلامی است، که ذاتاً دارای ویژگی هایی متعالی و بلند و ارزشمند است؛ عمل گرا و زهدمدار است و از همین رهگذر است که مکانیسم پویایی جامعه اسلامی، در سایه مدیریت اسلامی شهری عملی گردد. در این مقاله برخی از این ویژگی‌ها و خصلت های مدیریتی شهرهای شیعی بیان شده و در این ارتباط اصول و خصلت‌های مختلفی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است که عبارت از: اصل حاکمیت خدا، عدالت و برابری، کرامت و بزرگواری انسان، امنیت، آزادی و اصل عطوفت و مسؤولیت نسبت به طبیعت می باشد. در ادامه به مفاهیم مرتبط با شهر اسلامی به تفصیل اشاراتی می شود و اصول حاکم بر شهرهای اسلامی در حوزه مدیریتی

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016



نمودار ۱. مبنای روش شناسی تحقیق و رویکرد فراترکیبی؛ ماخذ: نگارنده.



نمودار ۲. روش شناسی بررسی متون قرانی موردنظر در تحقیق؛ ماخذ: نگارنده.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

جدول ۱. فرضیات پیشین و دیدگاه‌های نوین در سیاست‌گذاری شهرها؛ منبع:Peter Hall,۲۰۰۰,P: ۱۸۴

دیدگاه‌های نوین	فرضیات قدیمی
(*) شـهرها منبـع نـوآوری و رشـد اقتصادی هسـتند؛ (*) شـهرها تأمیـن کننـده روسـتاها هسـتند؛ شـهر بزرگتـر، فرصت‌هـای بیشـتری را در اختیـار می‌گذارد؛ (*) سیاسـت‌های عمومـی بایـد در راسـتای بهـره‌وری هـر چـه بیشـتر شـهرها جهت‌دهـی شـوند؛ (*) مهاجـران برخـوردار از انگیـزه و مهارت‌هایـی بالاتـر از آنچـه کـه بـه نظـر می‌رسـد هسـتند؛ (*) حاشـیه نشـینان در اقتصـاد شـهری سـهیم عمـده‌ای دارنـد، اغلـب بیـش از آنچـه کـه بـه دسـت مـی آورنـد؛ (*) اکثـر خانواده‌های سـاکن در حاشـیه دارای ارزش های سیاسـی میهن‌پرسـتی، مقاومت و بااسـتقامت هستند؛ (*) شهرنشـینی شـاخصی از توسـعه‌یافتگی اسـت و بـا افزایـش نـرخ شهرنشـینی، نـرخ زاد و ولـد کاهـش می‌یابـد؛ (*) تحـول در عملکردهای (شـیوه‌های تولید و مصـرف) شـهری بـرای پایـداری اکولـوژی جهانـی ضـروری اسـت؛ (*) زبالـه منبعـی ارزشـمند اسـت، به شـرطی کـه در سیسـتم‌های چرخـه‌ای بازیافـت وارد شـوند؛ (*) بیشـتر راه حل‌هـای ابتـکاری از پاییـن بـه بالا می‌باشـند تا از بالا به پایین؛ (*) بخش غیررسـمی ارائه‌دهنـده اصلـی شـغل، درآمد و مسـکن اسـت؛ (*) مدیریـت تمرکززدایی شـده به طور کارایـی بین نیازها و منابـع ارتبـاط برقـرار می‌کنـد و ایـن ارتباط بـرای از بیـن بـردن موانـع ضروری اسـت.	(*) شـهرها مسـأله‌زا و مشـکل‌آفرین هسـتند؛ (*) روسـتاها هزینه شـهرها را می‌پردازند؛ (*) شـهرها روز بـه روز بزرگتـر می‌شـوند؛ (*) سیاسـت‌های عمومـی بایـد در راسـتای ایجـاد محدودیـت در انـدازه شـهری جهت‌دهی شـوند؛ (*) مهاجرین برای شـهرها مسأله‌زا و مشـکل‌آفرین؛ (*) حاشیه‌نشـان اقتصـاد شـهری و خدمـات شـهری را چپـاول می‌کننـد؛ (*) سـکونتگاه هـای حاشـیه‌ای منبع آشـوب، جـرم و جنایـت و مواد مخـدر هسـتند؛ (*) شـهرها در انفجارهـای جمعیتـی سـهیم هسـتند؛ (*) شـهرها و فقیران شهری تهدیدی بـرای تخریـب محیطـی هسـتند؛ (*) زباله‌هـای جامد و انسـانی آشـغال‌هایی هسـتند کـه بایـد دور ریختـه شـوند؛ (*)حکومـت، برنامه‌ریـزان و کارشناسـان راه حل‌هایـی بـرای مشـکلات شـهری ارائـه می‌دهنـد؛ (*) برنامه‌هـای حکومتـی، مسـکن فقیـران را تأمیـن می‌کننـد؛ (*) حکومـت شـهری بـا اقتـدار و برخوردار از قـدرت نظامـی بـرای مواجـه بـا مشـکلات مدیریت شـهری ضروری اسـت.

مـورد بحـث قـرار می گیـرد.

مواد و روشها

روش تحقیـق ایـن مقالـه در مرحلـه اول بنـا به ماهیت نظـری تحقیـق، «توصیفی- تحلیلی» اسـت کـه از ابزار گـردآوری داده مشـتمل بـر «مطالعـات کتابخانـه‌ای و اسـنادی» بهـره بـرده اسـت. در ضمـن در مرحلـه «اسـتنباط نظـری» از اجـزای «فرامطالعـه» بر اسـاس نمـودار ۱ بهـره بـرده اسـت کـه مشـتمل بـر «رویکرد فراترکیـب» بـوده کـه بـه تحلیـل کیفـی یافتـه هـای تحقیقـات گذشـته پیرامـون مفهـوم مدیریت در شـهر اسـلامی معطـوف شـده اسـت. لـذا در ایـن مقالـه بـا مراجعـه بـه متـون و نصـوص دینی بـه بررسـی مفهوم مدیریـت و برنامه‌ریـزی در قـرآن کریـم و روایـات و احادیـث پرداختـه شـده و بـر اسـاس آنها اصـول مورد نظر مدیریتی شـهر در شـهرهای اسـلامی مورد بررسی قـرار گرفته اسـت.

مبانی نظری

مفهوم مدیریت

تعاریـف و واژه‌هـای مختلفـی بـرای مدیریت بـکار رفته است:

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]



نمودار ۳. مقایسه مدیریت اسلامی و مدیریت رایج؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

۱.«پـاول هـوس» و «کنتایـچ بلانچـارد» مدیریـت را چنیـن تعریـف می‌کننـد: «مدیریـت بـه کار کـردن بـا افـراد و گروههـا برای رسـیدن به مقاصد سـازمان گفته می‌شـود. وظایفـی هـم کـه بـر عهـده مدیـر گذاشـته شـده اسـت نیـز عبارتنـد از: برنامه ریزی، سـازماندهی، نظـارت و انگیـزش» (پرهیـزکار، ۱۳۸۲).

۲.«چاندلـر» مدیریـت را چنیـن تعریـف می‌کنـد: «مدیریـت بطوریکـه بصـورت معمـول در اذهـان عموم متـداول گشـته، عبارتسـت از اداره امـور یک سـازمان. مدیریـت ممکـن اسـت شـامل اداره امـور تجهیـزات و یـا تسـهیلات سـازمانی باشـد و یـا اینکـه شـامل اداره امـور مربـوط بـه کسـانی کـه عهـده‌دار اداره تجهیزات و تسـهیلات سـازمانی هسـتند، باشـد.یا بـه طـور کلی ممکـن اسـت شـامل اداره امـور هـر دو مـورد فـوق باشـد. ولـی به هـر حال مدیریـت چه‌بـرای تجهیزات و تسـهیلات، چـه برای مجریـان یک سـازمان و چه برای اداره امـور اعضـاء یـک سـازمان همگـی بایسـتی دارای منظـور و مقصودی باشـند کـه این منظـور و مقصود را همـان هـدف سـازمان گویند.

۳.از نظر «رابینز» و «دی سـنزو»؛ «مدیریت عبارتسـت از فراینـد انجـام کارهـا بـه طـور اثربخـش و کارآمـد به وسـیله دیگران (پرهیـزکار، ۱۳۸۲، ص ۳۷).

مدیریت اسلامی

مدیریت اسـلامی شـیوه بـه‌کار گیـری منابع انسـانی و امکانـات مادی، برگرفته از آموزه‌های اسـلامی برای نیل بـه اهدافِ متأثر از نظام ارزشـی اسـلام اسـت. در متون اسـلامی، نگاهـی نزدیـک به آنچـه امروز علـم مدیریت نامیـده می‌شـود وجـود دارد. در حـوزه مدیریت کلان و خرد اخباری از پیامبر اسـلام و امامان شـیعه در دسـت اسـت. در روایتـی از امام اول شـیعیان آمده‌اسـت «لابُدّ لِلنّـاسِ مـن أمیـر برّ أو فاجِـر» (ترجمه: مـردم ناگزیرند امیـری داشـته باشـند، چـه نیکـوکار و چـه تبـاه‌کار) و همچنیـن از پیامبر اسـلام منقول اسـت «إذا کان ثَلاثَةٌ فـی سـفر، فَلْیُؤَمِـرُوا أحَدهـم» (ترجمـه: هنگامـی کـه سـه‌نفر در سـفر بودنـد، بایـد از یـک نفرشـان فرمـان ببرند).

برنامـه ریـزی از مهمتریـن ابعـاد نظـری در حـوزه مدیریـت اسـت کـه در اسـلام نیز مـورد توجـه ویژه‌ای بـوده اسـت؛ چنانچـه قـرآن کریـم نیـز در این‌بـاره تاکیـدات موکـدی داشـته اسـت.

مدیریت شهری

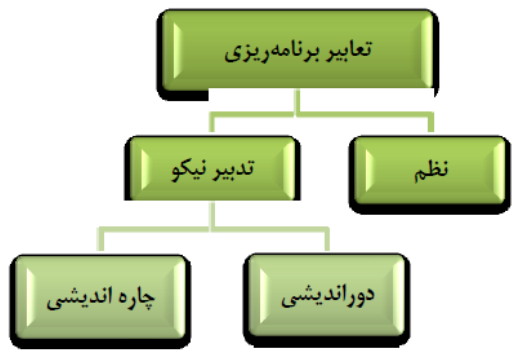
مدیریـت شـهری را می‌تـوان سـازمانی فراگیـر و در برگیرنده اجزای رسـمی و غیررسـمی مؤثـر و کارامدی دانسـت کـه در ابعـاد مختلـف اجتماعـی، اقتصـادی

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

جدول ۲. فراوانی برخی از مفاهیم مربوط به برنامه ریزی در قرآن کریم؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

عبارت	موضوع	تعداد
مشتقات (قدر)	به معنای اندازه و اندازه‌گیری	۳۳ مورد
مشتقات (دبّر)	به معنای تدبیر	۵ مورد
ستة أیّام	آفرینش زمین در شش روز (برنامه‌ریزی در خلقت)	۱۰ مورد
عبارات مربوط به "السموات السبع"	خلقت هفت آسمان (برنامه‌ریزی در خلقت)	۹ مورد
اللیل و النهار	پیدایش و اختلاف شب و روز (برنامه‌ریزی در خلقت)	۴۷ مورد
الشتاء و الصیف	زمستان و تابستان (برنامه‌ریزی در خلقت)	۱ مورد
یحیی الأرض بعد موتها	خواب زمستانی و بیداری در بهار (برنامه‌ریزی در خلقت)	۹ مورد
بغیر عمدٍ ترونها	خلق آسمان‌ها بدون ستون قابل رؤیت (برنامه‌ریزی در خلقت)	۲ مورد



نمودار ۴. برخی از تعابیر مربوط به برنامه ریزی در متون اسلامی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.



نمودار ۵. اصول برنامه ریزی در مدیریت اسلامی؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

و کالبدی حیات شهر تاثیر دارند و با ماهیت چندعملکردی در حوزه سیاستگذاری برنامه ریزی و اجرا بر آن هستند تا به اداره، هدایت،کنترل و توسعه همه جانبه و پایدار شهر بپردازند و افزایش کیفیت زندگی شهروندان و رفاه شهروندی را محقق گردانند. همچنین باید به مفاهیمی همچون مدیریت شهرداری و یا مدیریت حکومت محلی نیز اشاره کرد که در کنار مفهوم مدیریت شهری مطرح می شود. در بیشتر مواقع نیز مدیریت شهری به عنوان زیر مجوعه حکومت محلی شناخته می شود و شهرداری نام می گیرد (سعیدنیا، ۱۳۸۳، ص ۲۲). در ادامه به برخی از تعاریف شهرداری اشاره می شود: شهرداری بر اساس ماده ۵ قانون محاسبات عمومی کشور سازمانی عمومی و غیر دولتی است که دارای استقلال و شخصیت حقوقی بوده و تحت نظر شورای شهر و با نظارت وزارت کشور تاسیس می گردد (ایمانی جاجرمی، ۱۳۷۴، ص ۸).

بر این اساس، در متون فارسی در کنار مفهوم «مدیریت شهری» مفاهیم مشابه دیگری مانند «مدیریت شهرداری» و یا «مدیریت حکومت محلی» نیز مطرح است که بسیاری اوقات به جای یکدیگر به کار برده شده‌اند. با مرور منابع مربوط به مدیریت شهری تعاریف گوناگونی برای آن می‌توان یافت که حد و قلمرو هر کدام بسیار متفاوت است. آیا مدیریت شهری مترادف با یک «هدف عملّیاتی» ، «یک فرایند» و یا «یک ساختار» است؟

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

مفهوم محتوایی مدیریت شهری

از محتـوای مدیریـت شـهری تعاریـف متفاوتـی شـده است:

۱.برخـی اوقـات مدیریـت شـهری بـه مثابـه اجـرای سیاسـت قلمـداد می‌شـود یعنـی بـه عنـوان اداره امور عمومـی ، و در جـای دیگـر مدیریت شـهری را بـا اجرا و برخـی ویژگیهـای خـاص دیگـر تعریـف می‌کنند که آن را فراتـر از مفهـوم اداره می‌بـرد، برای مثـال با ایجاد بسـتری برای مداخله بیشـتر بخش عمومـی با پذیرش نقـش فعالتـر در توسـعه شـهری ایـن امـر امـکان پذیر می‌گـردد.

۲.یـا بـرای بانک جهانی، مدیریت شـهری یـک رویکرد شـبه بازرگانی در حکومت و اداره شـهر است که ممکن اسـت بـه اسـتفاده مؤثر و کارآمـد تر منابع منجر شـود (Mattingly,۱۹۹۴,۲۰۱).

۳.بـه اعتقـاد شـارما (Sharma,۱۹۸۹)، مدیریـت شـهری مجموعـه‌ای از فعالیت‌هاسـت کـه در تعامـل بـا هـم توسـعه اقتصـادی، کالبـدی و اجتماعـی نواحی شـهری را شـکل داده و هدایت می‌کنـد. بنابراین اصلی تریـن وظیفـه مدیریت شـهری، مداخله در ایـن نواحی بـا هـدف ارتقـای توسـعه اقتصـادی و بهروزی مـردم و نیـز تأمیـن خدمـات ضروری اسـت.

۴.راکـودی (Rakodi) نظـر مشـابهی دارد. هـدف مدیریـت شـهری، مدیریـت اجـزای سیسـتم شـهری اسـت بـه نحـوی که کارکـرد روزانـه سیسـتم را ممکن سـاخته و بـا تشـویق همـه انـواع فعالیتهـای اقتصادی بسـتری فراهم آورد تا سـاکنان قادر باشـند به نیازهای اساسـی خود شـامل مسـکن، کالاها یا خدمات عمومی و نیـز فرصتهای درآمد سـاز دسترسـی داشـته باشـند. هـردوی ایـن محققیـن معترفنـد کـه مدیریت شـهری مسـئولیتی اسـتراتژیک اسـت کـه بـا نتایـج و تبعـات عملّیاتـی نیـز همـراه اسـت (Mc Gill,۱۹۹۸: ۴۶۴). بـه طور کلـی برای اداره امـور عمومی شـهر دو پارادایم وجود دارد:

در پارادایـم نخسـت که «حکومت» نام دارد، شـهردای مسـؤول تمام امور اسـت. این نهاد موظف اسـت تمامی خدمـات را بـرای شـهروندان فراهـم کند. ایـن پارادایم به سـبب مسـائلی ماننـد پیچیدگـی روزافـزون زندگی و کاهـش تـوان مدیریت‌هـا در حـل مسـائل شـهری و از بیـن بـردن یـا تضعیف قـوۀ اسـتدلال و ابتـکار عمل شـهروندان بـا چالش‌هـای جدی مواجه شـده اسـت.

در پارادایـم دوم کـه «حکومـت‌داری» نـام دارد، مسـؤولیت اداره امور عمومی میان سـه نهاد شـهرداری، جامعـه مدنـی و بخـش خصوصی تقسـیم شـده اسـت. هریـک از ایـن سـه نهـاد بـه طـور مشـترک در قبـال مسـائل پاسـخگو هسـتند (ایمانی جاجـرودی، ۱۳۸۳، ص ۹).

مدیریت شهری دموکراتیک

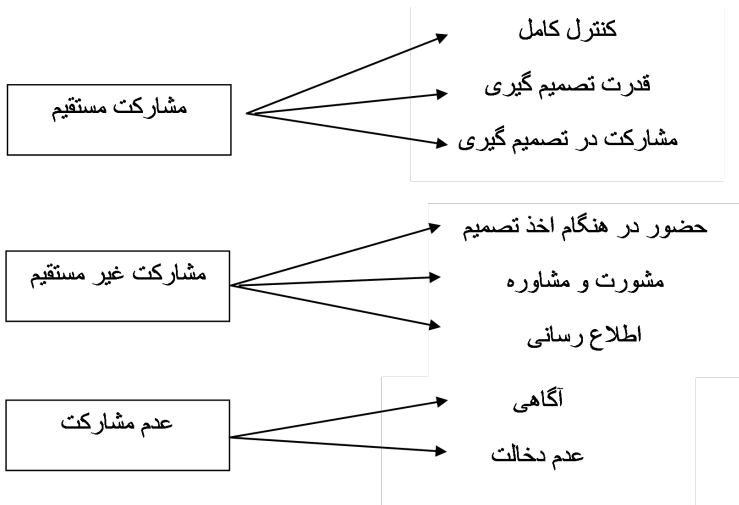
اصـول برنامه‌ریزی شـهری مدرن و نتایج آنهـا از حدود دهـه ۱۹۶۰ بـه بعـد مـورد انتقـاد جـدی کسـانی مثل «رابـرت ونتـوری» نویسـنده کتاب «پیچیدگـی و تضاد در معمـاری» (۱۹۶۶) و «آلـدو راسـی» ایتالیایی مؤلف کتـاب «معمـاری شـهر» (۱۹۶۶)، «جیـن جاکوبـز» آمریکایـی نویسـنده کتـاب «تولـد و مـرگ شـهرها در آمریـکا» (۱۹۶۱) و بسـیاری کسـان دیگر قـرار گرفت کـه جوهـر همـه آنهـا نگرانـی از رشـد کمی‌شـهرها، بی‌هویتـی و یکسان‌سـازی آنهـا و بی‌توجهـی بـه سـرزندگی و کیفیـات انسـانی و فرهنگـی در شـهرها اسـت. بـه نظـر «مارشـال برمـن» برنامه‌ریـزی شـهری مـدرن روایت و تصویر دیگری از شـهر ارائه داده اسـت: جهانـی کـه به لحـاظ فضایـی و اجتماعی بـه پاره‌هایی مجـزا تقسـیم شـده اسـت، اینجا مـردم، آنجـا ترافیک، اینجـا کار، آنجـا خانـه، اینجا اغنیا، آنجا فقـرا و در میان آنهـا موانعی از چمن و سـیمان (مهدیـزاده، ۱۳۸۵، ص ۱۳). در خصـوص پیشـینه این رویکرد می توان اشـاره داشت:

۱. «برنامه‌ریـزی عدالت‌گـرا و حمایتـی»: «داویـدف» (۱۹۶۵) و «کرومهلـز» (۱۹۸۲) کـه در آنهـا کانـون برنامه‌ریـزی از کارکردگرایـی، دغدغه‌هـای مربـوط بـه مسـایل فنی و کاربـری زمین به سـمت مباحث مربوط بـه تفاوت‌هـا و پرسـش سیاسـی چه کسـی، چه چیزی را در کجـا و در چـه زمانی بدسـت آورده و چه کسـانی

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

عرصه‌ها / سطوح	اقتصادی؛ مالی	کالبدی (کاربری زمین)؛ زیست محیطی	اجتماعی؛ فرهنگی	سازمانی؛ اداری
ملّی؛ ایالتی				
منطقه‌ای؛ کلان شهری				
محلی؛ شهری و محله‌ای				

نمودار ۶. فرایند برنامه‌ریزی یکپارچه؛ ماخذ: نگارنده.



نمودار ۷. نردبان هشت پله‌ای مشارکت ارنشتاین؛ ماخذ: Healy, ۲۰۰۵: ۲۶

در خصوص این مسایل تصمیم می‌گیرند سوق داد.

۲.انتقادهای «مارکسیست‌ها»، نظیر «کاستلز» (۱۹۷۸)، «اسکات و راویز» (۱۹۷۷) و «فاینشتاین» (۱۹۸۲) به فرایند برنامه‌ریزی از این جهت که منابع قدرت را تعقیب می‌نماید. زیر سؤال برده و برای نخستین بار، داعیه بی‌طرفی و فن‌سالارانه آن فرایند برنامه‌ریزی را به چالش کشیده است (مارک اورانجی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۱).

۳.با واکنش‌های انتقادی به برنامه‌ریزی عقلانی، برنامه‌ریزی شهری برای نجات خود به تدریج به سمت توجه به اجرای برنامه‌ها و توجه به اهداف برنامه‌ها و مشارکت مردم و در این راستا جذب اندیشه‌های اجتماعی، اخلاقی و مشارکتی روی آورد. ضرورت توجه برنامه‌ریزی شهری به فراتر از اهداف کالبدی- فنی و توجه به خواست‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی مردم، ضرورتاً برنامه‌ریزی شهری را با عرصه‌های دیگر مثل کیفیت محیط، رفاه عمومی، عدالت اجتماعی، مشارکت شهروندان مرتبط می‌سازد (مهدی‌زاده و دیگران،۱۳۸۲، ص ۸۱).

۴. در واقع دموکراسی مستلزم این است که میان منافع عمومی و منافع خصوصی گروههای مختلف اجتماعی، نوعی هماهنگی و همکاری متقابل رعایت گردد. تحقق این امر، بی‌تردید، نوعی برنامه‌ریزی آگاهانه و دموکراتیک را نیاز دارد (همان، ۱۳۸۲، ص ۱۶۴).

۵. این تغییر رویکرد و نگرش در برنامه‌ریزی شهری به‌طور عمده منطبق با این‌ایده است که شرایط سیاسی- اجتماعی، سازمان مدیریت و اجرا

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

و میـزان مشـارکت همگانـی، نقش مؤثرتـری در تحقق سـازماندهی مطلوب شـهری و کیفیت آن ایفا می‌کنند (همـان، ۱۳۸۲، ص ۵۱۸).

در قلمـرو برنامه‌ریزی شـهری، مشـارکت شـهروندان به سـه دسـته اصلی تقسـیم می‌شود:

۱.«**مشـارکت علمـی و فنـی**»: همـکاری نهادهـای بخـش عمومی با مؤسسـات حرفـه‌ای و تخصصی برنامه ریـزی شـهری در زمینـه تهیـه طرح‌هـا و برنامه‌هـای توسـعه و عمران؛

۲.«**مشـارکت اقتصـادی**»: جلـــب همـکاری و سـرمایه‌گذاری بخـش خصوصـی در توسـعه و عمـران شـهری؛

۳.«**مشـارکت اجتماعـی**»: همـکاری تشـکل‌های صنفـی و جمعـی محلـی در تهیـه و اجـرای طرح‌هـای توسـعه و عمران شـهری و نظـارت بر آنهـا (مهدیزاده و دیگـران، ۱۳۸۲).

در ادامه به این مدلها به اختصار اشاره می شود:

۱.«**مدل شـهردار قـوی**»: از این مدل در بسـیاری از کشـورهای اروپایی و سـایر کشـورهای جهان اسـتفاده می‌شـود. در ایـن شـیوه بـر اصـل رهبـری سیاسـی تأکیـد می‌شـود کـه در قالب شـهرداری تبلـور می یابد و جایـگاه آن مشـابه ریاسـت جمهـوری در سـطح یک شـهر اسـت و وی مسـئول اجرای تصمیمات شـورا نیز می‌باشـد (آخوندی و دیگـران، ۱۳۸۷، ص ۱۳۸-۱۳۹).

۲. «**رهبـری جمعـی**»: در ایـن مـدل جمـع مرجـع تصمیم گیری اسـت که توسـط کمیته اجرایی تشـکیل می‌شـود و مسـئول اصلی‌این کمیته بعضاً اعضای شـورا هسـتند و معمـولاً سرپرسـتی آن را شـهردار به‌عهـده دارد. لیکـن اجـرای امـور به گونه رهبری جمعی اسـت. مـدل دیگرکمیسـیونی اسـت کـه ایـن رهبری توسـط یـک کمیسـیون اجرایـی تخصصـی انجـام می گیـرد. و بطـور کلـی درون‌مایـه و قلمـرو اختیـارات آن را عموماً شـورا تعییـن می کند.

۳.«**شـورا ـ مدیرشـهر**»: در ایـن الگـو کلیـه وظایف اجرایـی دراختیـار یـک مدیـر متخصـص کـه از سـوی شـورا انتخاب شـده قـراردارد. در این نظام شـورا دارای اختیارات کلی در ارتباط با سیاسـت های عمومی‌است، اما شـهردار انحصاراً ریاسـت شـورا را به عهده دارد. این الگـو در کشـور ایـالات متحـده امریـکا در بسـیاری از ایالت هـا وجـود دارد.

۴.«**گردهمایـی**»: صـورت دیگـری ازحکومت‌هـای محلی اسـت کـه در شـهرهای جهان به‌ویژه در کشـور ایـالات متحـده حاکـم اسـت. در ایـن مـدل هیـأت منتخبین در مواقع ضروری خواسـتار برگزاری نشسـت و یـا گردهمایـی شـهر می‌شـوند و در ایـن نشسـت موضوعـات مطـرح و سـپس رأی‌گیـری می‌گـردد. اعضـای این هیات توسـط شـهروندان انتخاب شـده‌اند.

ویژگی های شهر اسلامی

اصل توحید و خدامحوری

حاکمیـت و مالکیـت پـروردگار بـر هسـتی نیـز مطلق، تجزیـه ناپذیـر و انتقـال ناپذیـر اسـت فرمانروایـی بـر کـون، بـه جـز بـرای خداونـد، از آن کسـی نیسـت و نه می‌تواند باشـد و نه کسـی حق دارد که خود را شـریک و سـهیم در آن بدانـد و اگـر کسـی هـم چنیـن ادعایی

جدول ۳. پراکندگی جغرافیای الگوهای مختلف حکومت‌های محلی در اروپا؛ منبع Margre and Bertrana , ۲۰۰۴ , P : ۳.

ردیف	مدل حکومت‌های محلی	کشورهای مجری الگوها
۱	شهردار قوی	اسپانیا؛ فرانسه؛ ایتالیا؛ پرتغال؛ مجارستان
۲	رهبری جمعی	بلژیک؛ هلند؛ لوکزامبورگ؛ جمهوری چک
۳	رهبری توسط کمیسیون	دانمارک؛ سوئد؛ لتونی
۴	شورا ـ مدیرشهر	فنلاند؛ ایرلند
۵	سایرموارد	انگلستان؛ مالت

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

جدول ۴. انواع مدل‌های مدیریت شهری و مزایا و معایب آنها؛ منبع: آخوندی و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۱۴۴.

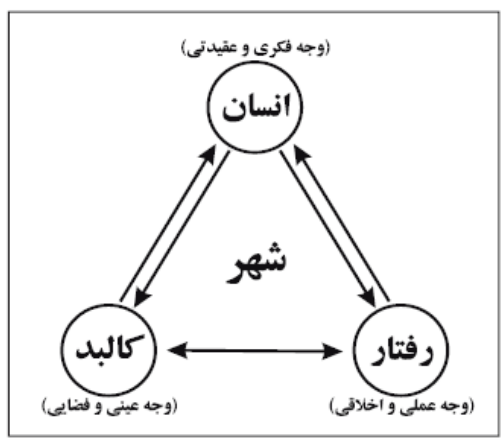
نام مدل	مزایا	معایب
شهردار- شورا	(*) شهردار ضعیف ـ شورا نمایندگی منتخب به دنبال برآورده کردن نیازهای شهروندان است. (*) کاربرد آن درشهرهای کوچک بخوبی پاسخ داده است.	(*) فقدان رهبری قوی؛ (*) قدرت هرمسئولیت پراکنده است؛ (*) خلاء قدرت سیاسی قوی باعث سیاست‌زدگی و ماشینی شدن می‌گردد.
	(*) رهبری قوی با مسئولیت پذیری متمرکز؛ (*) سیاست سازی و اجرا را تسهیل می بخشد.	(*) حجم زیاد وظایف برای یک فرد مشکل است؛ (*) شهردارنمی تواند صرفاً با اتکای به یک نیروی متخصص عمل کند.
شورا – مدیر	(*) مدیرمتخصص مسئولیت را به عهده دارد؛ (*)شورا توسط سیاستها وخط مشی ها شهررا کنترل می کند؛ (*)شهر به صورت یک بنگاه دیده می شود.	(*) فقدان رهبری قوی؛ (*) عدم تمایل مدیربه سیاست سازی؛ (*) مدیر در انزوا قرار می گیرد
کمیسیونی	(*) درشرایط بحرانی و اضطراری خوب است؛ (*) ساختارسازمانی ساده است؛ (*) اجرای سریع سیاستها و به موقع آن	(*) فقدان نظارت و (*) پیچیدگی انتخاب در این شیوه؛ (*) نبود یک فرد به وظیفه اداره کل مجموعه بطور مشخص
گردهمایی شهری باز و گردهمایی شهری نماینده	(*) پیشرفته ترین نوع دموکراسی؛ (*) برای همه شهروندان حق رأی گذاشته شده و می توانند دراداره امورشرکت داشته باشند؛ (*) در جوامع محدود بسیار موفق است.	(*) انجام برنامه بلند مدت مشکل است؛ (*) استفاده از افراد متخصص مشکل است؛ (*) اطلاع رسانی دراین مدل سخت است؛ (*) برگزاری جلسات به دلیل حضورافراد مشکل است.

کند، قادر به آن نیست. در شهر آرمانیِ اسلام، تک تک افراد به این اصول و نگرش رسیده‌اند و به این عالم تعلق دارند. با پذیرش اصل توحید و وجود خدا نگرششان به هستی، انسان سعادت، آخرت و روابط انسان با آنها دگرگون می‌شود. تحقق شهر و جامعه مطلوب دینی منوط به پیدایش عالم و مردمانی که به آیین تعالم تعلق دارند، می‌باشد. فرد مؤمن جهان را خالی از راز و رمز و دخالت خواست و اراده‌ی پروردگار فهم نمی‌کند، وی حضور خدا را در سرتاسر حیات و لحظه هایش درک می‌کند. علی رغم آنکه سعادت و خیر را در دنیای دیگر سراغ می‌گیرد، از جهانِ مادی و نیازهای زندگی اش غافل نیست، جسورانه و خستگی ناپذیر در این جهانِ محدود مادی به تکاپو می‌پردازد و امید بر آینده‌ای درخشان دارد. اصل توحید، از این رو، چیزی جز فروتنی و فرمانبرداری و عبودیت خداوند و رد فرمانبرداری و فروتنی در برابر دیگر انسانها، اشیا و سلاطین نیست. توحید در وهله‌ی نخست نفی طاغوت است و در وهله بعد اعتراف به معبودیت پروردگار می‌باشد به غیر از او نباید، فردی را به عنوان «مالک و دافع مضار وجاذب منافع» برگزید به غیر از او پذیرش هر آقا و سروری نادرست است و نباید بجز فرمان

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

و دستور او، دستوری را پذیرفت. در هر صورت اصل توحید مستلزم آن است که انسان موجودی «آزاد و برابر خلق شده است و نباید تحت سلطه و اسارت قرار گیرد و اصل اساسی ربوبیت پروردگار است. با پذیرش اصل توحید و خالقیت خداوند و مالک بودن وی بر هستی، نوع نگاه به انسان و سعادت حقیقی وی نیز دگرگون می‌شود. در این چهار چوب انسان به منزله‌ی با ارزش‌ترین و گرامی‌ترین موجود، آفریده‌ی خداوند است. این موجود برخوردار از عقل، کرامت، عزت و اختیار است». دارای استعداد، تکامل، پیشرفت و ترقی می‌باشد. انسان موجودی دو وجهی است: دارای تمایلات عالی و انسانی دیگر برخوردار از غرایز و تمایلات حیوانی. سعادت حقیقی، علاوه بر برآورد شدن خواست‌های مادی و ضروریات حیات، در گرو کسب رضایت خدا و تأمین اعلی در سرای دیگر است.

زندگی دنیوی، علی رغم معایب و بدی‌هایش بیهوده و بی‌معنا نیست بلکه پیش شرط سعادت است و مرگ نیز پایان حیات نیست. با مرگ زندگی و دوره‌ی تازه ای در فرآیند تکامل آدمی آغاز می‌شود و گذار زندگی شرط اساسی این تکامل است. به عبارت دیگری دنیا و زندگی در آن مقدمه‌ی چنین فرا شدی در حیات آدمی است و سعادت حقیقی



نمودار ۸. رابطه سه عنصر دخیل در شهر؛ ماخذ: نقی زاده، ۱۳۸۹.

نیز در دنیای واپسین کسب می‌شود. زندگی دنیوی و اخروی مرتبط و در تکامل با یکدیگرند و مرگ در دنیای مادی به منزله گسست در سیر تحول و تکامل انسان نمی‌باشد و در پیوند و پیوسته به آن است: «الدنیا مزرعه الاخره». انسانها پس چند صباحی زندگی در دنیا، از عالم مادی رخت برخواهند کشید و آنچه کشت کرده‌اند، در سرای دیگر درو خواهند کرد. در هر صورت انسان موجودی متکامل و دارای استعداد فاضل و اخلاقی شدن است، موجودی فراتر از سایر موجودات است و سعادتش در دنیای دیگر است. سعادت نیز چیزی جز کسب رضایت الهی نیست. سعادتی که منوط به پذیرش اصل توحید و عمل به فرامین و نواهی الهی می‌باشد. انسان بدین ترتیب، موجودی بیهوده، رها گشته، سرگردان و بی‌هدف نیست. نه بیهوده خلق شده است و نه تصادفاً به وجود آمده است و نه با مرگ حیاتش پایان می‌گیرد و نه موجودی صرفاً مادی و حیوانی است که هیچ اختیار و اراده ای از خود ندارد. زندگی اش بیهوده و پوچ نمی باشد، انسان آفریده خداوند است و هدف وی، عبودیت و تأمین رضایت الهی است. به طور خلاصه در عالم دینی، مؤمنان به اساس اصل توحید به اصول ذیل ایمان دارند:

۱. هستی و جهان بیرونی مخلوق خداوند است و پدیده ای بیهوده، بی‌برنامه و نابه‌هنجارنیست

۲. انسان مخلوق خداوند است، دارای اختیار، آزادی و عقل می باشد و موجودی تکامل یابنده. دارای دو نوع غرایز و نیاز است: یکی مادی و دیگر معنوی سعادت حقیقی در گرو تأمین این دو نوع خواسته است و هدفِ اساسی کسب رضایت باری تعالی است که بدون عمل به فرامین و نواهی و خواست وی رسیدن به سعادت بی معنا است.

۳. در عالم دینی، فرد دیندار براساس اصل توحید و حضور خدا، به جهان ماورا طبیعت عالم غیب، معاد، بهشت، دوزخ، جهنم، و ملایک ایمان دارد. جهان را خالی از راز و رمز و حضور مدام خدا نمی‌بینند.

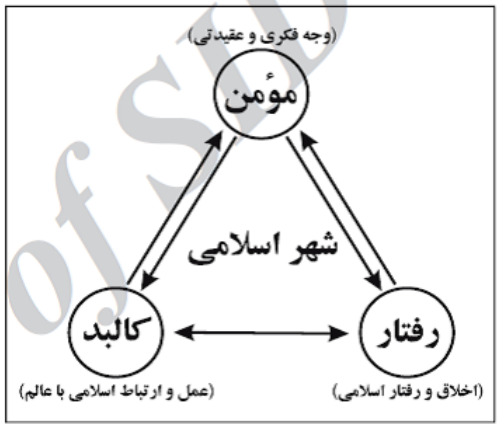
۴. در عالم دینی، فرد دیندار، حضور و دخالت

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

خداونـد را در تمامـی عرصـه او زوایـای زندگـی خـود مشـاهده می‌کنـد زیرا خداونـد حاکم و متعال ما یشـاء می‌باشـد. وی وجـود خداونـد و عنایـات و الطافـش را شـرط ضـروری زندگـی و سـعادت خویـش ارزیابـی می‌کنـد، گرچـه خـود را عاقـل و مختار فـرض می‌کند، در عیـن حـال از الطافـش بـی نیـاز نیسـت، و همیشـه چشـم به راه کرامت و فضل خدا اسـت. چنین انسـانی، برخـلاف انسـان امـروزی، از آسـمان هنـوز نبریـده و کمـاکان بـه آن احسـاس نیـاز دارد.

حفظ کرامت و عزت نفس آدمی

در یـک جامعـه آرمانـی، انسـانها دارای کرامـت و عزت نفس‌انـد و ایـن عـزت و کرامت باید حفظ شـود و محور تمـامِ تصمیمـات و سیاسـت‌گذار نیـز بـا چنین باشـد. چنانچـه می‌دانیـم، در اندیشـه دینی انسـان موجودی، عاقـل، مختـار، شـریف و برخـوردار از کرامـت، اسـت. کرامـت انسـانی برتریـن گوهـری اسـت کـه خداونـد تبـارک و تعالی به انسـان ارزانی داشـت و بـه عین آن- انسـان را از دیگر موجودات خود برتر و متمایز سـاخت. عنصـری کـه بـر اسـاس آن انسـان از سـایر موجـودات برتـری یافـت و تمـامِ فرشـتگان مأمـور شـدند کـه در برابـر ایـن کرامـت کرنـش کننـد و او را بزرگـوار و خود را خـوار نماینـد۱. در هـر صـورت فرشـتگان مأمـور به سـجده بـر آدم شـدند و ابلیـس چون از این فرمان سـر بـر بتافت، از درگاه الهی رانده شـد و به سـبب تکبرش، دشـمن خـدا گردیـد۲. نکتـه قابـل توجـه آنسـت کـه حفـظ حرمـت انسـانها، در یک شـهر اسـلامی، متوجه همـه‌ی انسـانها اسـت و هیچ فـردی از این دایـره خارج و مسـتثنی نیسـت. گرچـه در جامعـه‌ی اسـلامی میان مسـلمان و غیرمسـلمان تفاوت‌هـای وجـود دارد، امـا هـر دو در اینکـه برخـوردار از گوهـر کرامت انسـانی‌اند، شـریک و همسـان می‌باشـند و همان‌گونـه حرمـتِ انسـانِ مسـلمان بر انسانها و قدرت سیاسـی لازم است، حفـظ کرامـت انسـان‌های دیگر نیـز بر همـگان واجب اسـت چون انسـانها در خلقـت اولیه مفتخر بـه دریافت کرامـت و روح خدایـی شـدند و ایـن امـر در سـنت و سـیره پیامبـر و ائمـه معصومیـن به ویـژه حضرت علی



نمودار ۹. رابطه سه عنصر دخیل در شهر اسلامی؛ ماخذ: نقی زاده، ۱۳۸۹.

بـه وضوح روشـن اسـت.

عدالت

یکـی از برتریـن و گرامی‌تریـن آرمانها و اصول اساسـی زندگـی بشـر، عدالت اسـت. قـرآن کریم هدف اساسـی رسـالت آسـمانی تمامـی پیامبـران را برقـراری عدالـت می‌دانـد: «لقـد ارسـلنا رسـلنا بالبینـات و انزلنـا معهم الکتـاب و المیـزان لیوم النـاس بالقسـط۱» در آیه فوق الذکـر، اولیـن رسـالت و هـدف پیامبـران و کتابهـای آسـمانی، اسـتقرار عدالـت اسـت. آنهـا نـه تنهـا بـرای چنیـن هدفـی مبعوث شـده‌اند بلکه باید بـرای تحقق و اسـتقرار آن می‌بایسـت فعالیت نمایند. منظور از عدالت آن اسـت کـه هر حقی بـه صاحب حق داده شـود و هر کـس بر اسـاس تواناییهـا و اسـتعداد و ظرفیت خویش بهـره و امتیـاز گیـرد نـه بیشـتر و نـه کمتر و عـدول از ایـن اصـل نیز بـه معنـای عـدول از اصل حـق محوری و مرتکـب ظلـم و تعـدی شـدن اسـت. در ایـن چهـار چـوب فـرق نمی‌کنـد کـه صاحـب حـق فـرد، اجتماع یـا هـر چیز دیگـر باشـد. در اندیشـه‌ی دینـی عدالت و دادگـری یکـی از صفـات عمـده‌ی خداوند اسـت و وی زمیـن و آسـمان را به عدالت و دادگری آفریده اسـت۱. و بـا وضـع میزانهای قسـط و عدل، از انسـان می‌خواهد تـا بـه آن ملـزم باشـد و از آن تعـدی و تجـاوز نکنـد و براسـاس معیارهـای دادگرانـه رفتـار کنـد. اسـلام در

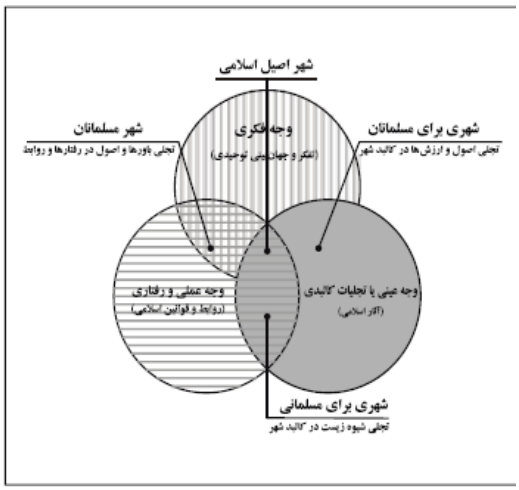
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

وهلـه‌ی نخسـت انسـان را فـرا می‌خوانـد کـه بـا نفس خویشـتن بـه عدالـت رفتـار کنـد و میـان حقـوق خود و خداونـد و دیگـران تعـادل و هماهنگـی لازم را ایجـاد کند ۲.

قـرآن کریـم، رفتـار دادگرانـه و عادلانـه را نیـز معیـار اساسـی روابـط فرزنـد بـا پـدر و مـادر و زنـان و مردان میدانـد و بـه آن توصیـه‌ی فـراوان می‌کنـد. اسـلام از مسـلمانان می‌خواهـد تـا بـدون آنکـه علایـق و روابـط سـببی، عاطفـی و نسـبی خـود را ملاحظـه کننـد، بـا مـردم بـه عدالـت و دادگـری رفتـار کننـد. از ایـن‌رو وابسـتگی هـای عاطفـی، احساسـی، قومـی، نـژادی و انسـانی نمی‌بایسـت فرد را از معیار عدالـت و دادنِ حق بـه ذی حـق بـاز دارد۳. ایـن عدالـت نـه تنهـا متوجـه مسـلمانان و دوسـتان اسـت بلکه متوجه دیگر انسـانها و از جملـه دشـمنان و رقیبـان نیـز میباشـد. قـرآن در ایـن خصـوص به مسـلمانان هشـدار مـی دهد تـا مبادا از معیـار عدالـت و انصاف با دشـمنان خارج شـوند: «یا ایهـا الذیـن آمنـوا کونوا قوامین سـید شـهداء بالقسـط و لایجرمنکـم شـنئان قـوم علـی الا تعدلـوا اعدلـوا هـو اقـرب للتقـوی و اتقـوا الله۱» در آیـه‌ی فوق‌الذکـر بـه عدالـت و دادگـری، معیـار ایمـان، تقـوی و قربـت بـه خداونـد ارزیابـی می‌گـردد و بـه انسـانها در برابـر بی‌عدالتـی و بـی دادگـری از تـرس خداوند بـر ارتکابِ آن، هشـدار می‌دهـد. سـپس عدالت نه صرفـاً قاعده ای اساسـی در روابط میان مسـلمانان بلکه قاعـده‌ای عام و فراگیـری اسـت کـه شـامل تمامـی حوزه ها بـه جوامع و انسـانها می‌شـود و حتـی اصـل اساسـی و فراگیـر تدبیـر تمـام جوامـع اسـت. در آموزشـهای دینی حتی در مـورد کسـی کـه سـخن می‌گویـم نیـز باید سـخن عادلانـه و دادگرانـه بگوییـم و بـه هنـگام عصبانیـت و خشـم می‌بایسـت از ادای گفتـار ناحـق، زشـت، بی داد و نـاروا خـودداری کنیـم.۲ در مورد شـهادت نیز رعایت اصـل مذکـور نیز اساسـی اسـت.۳

آزادی و برابری

در آرمانشـهر اسلامی، انسـانها بنابر اصلِ توحید «آزاد و برابـر» آفریده شـده‌اند، تمامی انسـانها آفریـده خداوند



نمودار ۱۰. رابطه سه گانه وجه فکری، وجه عملی و رفتاری و وجه عینی در شکلگیری شهر اصیل اسلامی؛ ماخذ: نقی زاده، ۱۳۸۹.

و وی انسـانها را «برابـر و آزاد» خلـق نمـوده اسـت. انسـانها از بـدو تولـد، دارای هیـچ امتیاز و برتـری ذاتی و فطـری نمی‌باشـند تـا مبنای برتـری و نابرابـری آنان گـردد و احیانـاً عده‌ای خویش را مسـتحق فرمانبرداری و دیگـران را ملـزم بـه اطاعـت نماینـد. آزادی و برابری انسـانها وسـیله‌ای فطـری و الهـی اسـت و ریشـه در فطـرت و طبیعـت انسـان دارد و هیچ فردی حق سـلب ایـن حقـوق از آدمـی را نـدارد، حضـرت در ایـن بـاره می‌فرمایـد: «ای مـردم، حضـرت آدم نه بنده‌ای ترسـید کـرده و نـه کنیـزی و همه مـردم آزادند، لکـن خداوند تدبیـر و اداره بعضـی از شـما را بـر بعضی دیگر سـپرده است. ۱»

بـر ایـن اسـاس انسـانها ذاتـاً موجوداتـی، مختـار، عاقل و حاکـم بـر سرنوشـت خویش‌انـد و در برابـر آن مسـؤولند و مـورد بازخواسـت قـرار می‌گیـرد. انسـان در پذیـرش و گزینـش اصـول و مبانـی حیـات و نظـام فکـری و عقیـدی خـود آزاد اسـت و می‌تواند هـر گونه کـه خواسـت زندگـی خویـش را تدبیـر نمایـد. بـر این پایـه، یکـی از حوزه‌های عمده‌ی آزادی انسـان، «آزادی عقیـده و وجـدان» اسـت و هیـچ کـس حق سـلب این حقـوق را از انسـان نـدارد و نمـی توانـد بـه هیچ قیمت و بهایـی انسـان را ملـزم و مجبـور به پذیـرش عقیده و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

نظـام فکـری کنـد. خداوند در قـرآن کریـم در این باره می‌فرمایـد: «لا اکراه فـی الدین»؛۱«امانـت تکره الناس حتـی یکونـوا مؤمنین»؛۲«انا هدینا السـبیل اما شـاکراً و امـا کفورا»

در جامعـه آرمانـی اسـلامی، نه تنهـا مردمِ مسـلمان از آزادی عقیـده برخوردارنـد بلکه دیگر پیـروان و مذاهب نیـز از آزادی لازم جهـت انجـام مناسـک و مراسـم مذهبـی آزادنـد. گرچـه آنـان پایبنـد بـه نظام ارزشـی و دینـی متفاوتـی هسـتند اما همیشـه مـورد حرمت و احتـرام و عزت‌انـد مسـلمانان نیـز طبـق بیـان صریـح قـرآن حـق آزار، اذیـت و بدرفتاری و دشـنام بـه آنان را ندارنـد: «و لا تسـبوا الذیـن یدعـون مـن دون الله»۱ در آیـه‌ی فـوق چنیـن تأکیـد بـر آزادی بیان و عقیـده در جامعـه و حفـظ حرمـت و عـزت انسـان‌ها و احتـرام به عقایـد و دیدگاه‌های متفاوت، مسـلمانان را از بدرفتاری و تمسـک بـه روش‌هـای غیراخلاقی و غیرانسـانی برای هدایـت و رفتـار بـا انسـانهای دیگـر بـر حذر مـی دارد. التـزام مسـلمانان به اصـول دینی و الهی آنـان را محقق نمی‌گردانـد تـا با دیگـران آنگونـه که خواسـتند و میل داشـتند عمـل نماینـد. مقتضـای اصول و مبانـی دینی قـرآن اسـت کـه این اصـول در هـر شـرایط و موقعیتی بایـد حفظ شـود و نمی‌توان بـه انگیزه‌ی هدایـتِ مردم به روش‌های غیراخلاقی تمسـک جسـت چون انسـانها علـی رغـم تفاوت‌هایـی کـه در حوزه‌هـای اندیشـه و عقایـد بـا یکدیگـر دارنـد، در عنصـر انسـانیت، عـزت و کرامـت بـا هـم همسـان و شـریکند و این حرمـت باید حفظ شـود. قـرآن کریم، بـرای حل اختلافـات مذهبی و فکـری و هدایـت و گفتگـو با یکدیگر مسـلمانان را به توسـل بـه بهتریـن شـیوه‌ها و روش‌هـا توصیـه می‌کند و اذعـان دارد کـه باید بـه طُرق اخلاقی و احسـن انجام گیـرد زیـرا در اسـلام هـدف بـه هیـچ وجـه وسـیله را توجیـه نمی‌کنـد. نمی‌تـوان بـرای گسـترش و تحکیـم ارزش‌هـای اخلاقـی و الهـی، بـه روش‌هـای غیراخلاقی و غیرانسـانی متوسـل شـد. «لاتجادلـوا اهـل الکتاب الا بالتـی هی احسـن»۱

ایـن نگـرش در حقیقـت بـر ایـن نکتـه برمی‌گـردد که اسـلام بـرای انسـانها ذاتـاً حقـوق، عـزت و احتراماتـی ویـژه را قایـل اسـت و بـه راحتـی از آن صرف‌نظـر و چشـم پوشـی نمی‌کننـد. انسـانها علی‌رغـم تفاوت‌های کـه دارند، دارای عزت، حرمـت، کرامت، آزادی و حقوق انسـانی و بشـری‌اند و ایـن حقـوق بایـد حفـظ شـود و بـه هیـچ بهانـه‌ای نمی‌تـوان آن را پایمال کـرد. خطاب حضـرت علـی (ع) بـه مالک اشـتر به نحـوی صریح این نکتـه را بیـان و روشـن می‌کنـد. «و مبـاش همچـون جانـوری شـکاری کـه خوردنشـان را غنیمـت شـماری چـه رعیت دو دسـته‌اند/ دسـته‌ای بـرادر دینـی تواند و دسـته‌ای دیگـر در آفرینش با تو همانند».۲ انسـانها، از اینـرو آزادنـد، بـر سرنوشـت خود حاکـم انـد و نباید به راحتی از حقوق و آزادیها خویش چشـم پوشـی کنند و نباید به آسـانی تسـلیم ظلم و سـتم شـوند چون صفت مسـلمانی این اسـت: «لا یَظلِمُـونَ و لا یُظلَمُون». قرآن در همیـن چهار چوب به مسـلمانانی کـه در برابر آزادی کسـانی که مورد ظلم و سـتم قرار گرفته اند، خواسـته اسـت تـا به پا خیزنـد و با آنان بـه مبـارزه برخیزند: «و مـا لکـم لاتقاتلون فـی سـبیل الله و المسـتضعفین من الرجـال و النسـاء و الولـدان الذیـن یقولون ربنـا اخرجنا مـن هـذه القریـه الظالـم اهلهـا و اجعل لنا مـن لدنک ولیـا و اجعـل لنا مـن لدنـک نصیرا.»۱

در حـوزه‌ی زندگـی اجتماعـی نیـز بشـر از آزادی حـق تعییـن سرنوشـت، آزادی بیـان و آزادی انتقاد برخوردار اسـت. وی بـه دلیـل داشـتن عقـل، آزادی و اختیـار شایسـتگی چنیـن امـری را دارد. در نظـام دینـی حـق تعییـن رهبـران و مدیـران جامعه به مردم واگذار شـده اسـت ویـژه‌ی حضرت رسـول اکـرم و بر حضـرت علی (ع) دیگـر ائمـه معصـوم - علیـه السـلام گـواه این امر اسـت. آزادی بیـان و انتقـاد از دیگـر حقوق انسـانها در جامعـه‌ی آرمانـی اسـت و هیچ کس در ایـن چهارچوب فراتـر از نقـد و انتقاد نیسـت و هیچ کس نیـز نمی‌تواند خـود را از انجـام ایـن وظیفـه دون‌تـر بدانـد و آنـرا در شـأن خـود نیابـد چـون امـور اجتماعی و سیاسـی و به ویـژه برقـراری حـق و عدالـت و انصاف پیچیده اسـت و از سـوی دیگـر همه انسـانها بـا محدودیت‌هـای علمی،

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

فکـری و معرفتـی روبـرو هسـتند و همچنیـن از خطـا و اشـتباه مصـون نمی‌باشـند، لـذا آزادی بیـان و بیـان حقایـق تلـخ از حقـوق ملـت و مردم اسـت. ایـن امر در هـر صـورت مسـتلزم اداره‌ی بهتـر امـور، حـذف خطـا، بهره‌بـرداری درسـت از منابـع شـریک شـدن در عقول دیگران اسـت.

امنیت

مؤلفـه دیگـر شـهر آرمانـی در اندیشـه دینـی، وجـود «امنیـت» در تمامـی عرصه‌هـای آن اسـت. در نگـرش دینـی، خداونـد موجـودی آمنیـت آفرین اسـت و یکی از صفـات خداونـد «السـلام المؤمـن» مـی باشـد.۱ مؤمـن بـه دلیـل پایبندی بـه ایمـان به دیـن، هم خود را منیـت و هـم امنیـت بخـش اسـت. در قـرآن کریـم آیـات متعـددی بـر ایـن نکتـه تأکیـد دارد کـه «ایمان و پذیـرش پیـام الهـی» امنیت بخـش خواهد بـود و به مـردم می گویـد به خدا ایمـان بیاورید و عبـادت کنید او را تا ازخوف و ترس و وحشـت در امان باشـید. از این رو بایـد گفـت کـه یکـی از سرچشـمه‌ای اصلـی امنیت و ناامنـی، ایمـان و عـدم ایمـان به خداوند اسـت. ایمان بـه وی بـرای انسـان ایجـاد آرامـش، امنیـت و دلگرمی می‌کنـد و در مقابـل نفـی و رد آن سـایه‌ی تـرس، خـوف و وحشـت و هولناکـی اسـت. ایمـان بـه خـدا و یـادآوری ذکـر وی چنان‌چـه قـرآن می فرمایـد، مایه‌ی آرامـش و اطمینان اسـت.۲ چون ایمان بـه خدا موجب امیـد، آرامـش و معنـا و مفهـوم بـه زندگـی می باشـد. اگـر بگوییـم بی‌معنایـی و پـوچ بـودن زندگـی از معنا، منبـع اصلـی تشـویش و ناآرامی انسـان اسـت و امنیت و دل آرامـی را از وی سـلب می‌کنـد، بایـد بپذیریـم که ایمـان بـه وی نیـز مایـه‌ی قرار و تسـکین آدمی اسـت چـون بدیـن ترتیـب انسـان از سرگشـتگی، بیهودگـی، تشـویش، اضطراب، فناپذیری، مـرگ، نابودی و ترس از بـی فرجامـی، رهایـی می‌یابد. عـلاوه بـر آن باید گفت: امنیـت و آرامـش اولیه‌ی انسـان شـرط اساسـی حیات و شـکوفایی اسـتعدادها و تکامل انسانی اسـت. در واقع بایـد گفت کـه امنیت روحی و روانـی و ذهنی و آرامش معنـوی انسـان بـر وجـوه دیگـر امنیـت تقـدم دارد و شـکوفائی و فعلیت اسـتعدادهای آدمی در گام نخسـت مشـروط بـه تحقـق امنیـت روانـی و روحـی اسـت. لذا امنیت در وهله نخسـت باید از درون و وجود و هسـتی فـرد سرچشـمه بگیـرد. تحقـق اسـتعدادها، تواناییهـا و تکامـل انسـان منـوط به تحقـق ایـن امنیت اسـت. در هـر صـورت در جامعـه آرمانـی و یـک شـهر اسـلامی، اصـل امنیـت در حـوزه هـای ذیـل اساسـی اسـت: «۱. امنیـت در انجـام مناسـک و عبـادات؛۱ ۲. امنیـت در حـوزۀ پذیـرش عقایـد و اندیشـه هـای گوناگـون؛ ۳. امنیـت جانـی، مالی، شـخصیتی و حیثیتی افـراد.۲؛ ۴. امنیـت حـوزه و حـرم خصوصی افـراد؛ ۵. امنیـت اقوام و ملـل دیگر۴؛ ۶. امنیت مظلومان و سـتمدیدگان۵؛ ۷. امنیـت در معابـد و حریمهای الهی؛ ۸. امنیت موجودات و سـایر حیوانـات، پرنـدگان، زمین، و جانـداران» در هر صـورت ویژگی شـهر اسـلامی، امـن و آرام بودن اسـت. چنانچـه در قـرآن ذکـر شـده اسـت، رفـاه و امنیـت به عنـوان یکـی از نعمت‌هـای الهـی، یکـی از ویژگی‌هـای حکومـت و جامعـه‌ی مطلـوبِ اسـلامی اسـت۱. و یکی از علایـم و صفت‌هـای حکومـت باطل وضـع نامطلوب، وجـود گرسـنگی، تـرس و ناامنی اسـت.

اصل مسؤولیت و عطوفت به طبیعت

آشـتی و تناسـب و هماهنگی بشـر گذشـته، جای خود را بـه برتـری انسـان بـر جهـان طبیعـت داد. در عصـر تجـدد، بشـر خود را برتـر از طبیعت یافت و بـر فراز آن قـرار گرفـت و بـا بهره‌گیـری از دانش و فـن‌آوری آن را بـه انقیاد خویش کشـید. از آن دور افتـاد و رفته رفته از آن بیگانـه شـد. با پیدایش انسان سـوژه محـور طبیعت بـه مثابـه «آبـژه» بـه زیـر تیـغ کیـن و ترک‌تازی‌هـای بشـرِ مغـرور و سرمسـت از بـاده رهایـی و عقـل و علـم کشـیده شـد. انسـان از دریچه سـود طلبی و خصومت بـه طبیعـت نگاه کـرد. به قـول اریک فروم، نگاه انسـان بـه طبیعـت از نـوع «داشـتن» بود نـه «بودن». انسـان می‌خواسـت تـا طبیعـت را نیـز بـه تملـک و سـلطه‌ی خویـش درآورد. لـذا پـا از آن فراتـر نهـاد و بـه دلیـل اسـتعداد و توانایی‌هـای زاییـده‌ی خرد و دانـش، در آن دسـت بـرد و در آن دخـل و تصـرف نمـود. چشـم آز و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

حس منفعت طلبی آدمی، چشم انسان را از دیدن و پیش بینی کردن این واقعیت که ذخایر طبیعت محدودند و روزی تمام خواهد شد، کور کرد۱. در نگرش اسلام، طبیعت و جهان دارای عظمت و بزرگی است چون خداوند بر آن سوگند یاد کرده، بسیاری از سوژه‌های قرآن را با نام آن نام‌گذاری کرده و همچنین آنرا مخلوقی تسبیح‌گو و ذی شعور معرفی می‌کند. در هر صورت در نگرش دینی به طبیعت می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱.«**بهره برداری از طبیعت**»:۱ انسان به عنوان برترین مخلوق الهی، حق بهره برداری از طبیعت و منابع آن را دارد اما چنانچه قبلاً گفتیم این بهره‌برداری محدود است و محیط و طبیعت ملک خاص هیچ یک از افراد بشر یا نسل‌های بشری نیست که هر گونه که خواست در آن تصرف نماید طبیعت و محیط زیست، میراث همه انسانها است و از نسلی به نسل دیگر انتقال و به ارث می‌رسد. آیه ۳۷ سوره‌ی بقره دقیقاً به این نکته اشاره دارد: «و لکم فی الارض مستقر و متاع الی حین»

۲.«**پرهیز از اسراف و تبذیر**»: انسانها به بهانه توسعه، زیست و اینکه برترین موجود بر روی زمین‌اند، حق چپاول و نابود کردن منابع محیطی، زیست محیط و کره‌ی زمین را ندارند. این تعرف محدود است و نباید از حد متعادل بگذرد، چون اسراف و تبذیر است و اسراف و تبذیر نیز گناهی کبیره است.

«ان المبذرین کانوا اخوان الشیاطین»

۳.«**تدبیر در طبیعت و هستی**»: در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که در آن به پدیده های طبیعی اشارات فراوانی رفته است و در غالب آن به مطالعه و تدبیر در آن توصیه شده است. از این زاویه طبیعت صرفاً برای استفاده‌ی بی‌رویه‌ی انسان خلق نشده است، بلکه در بطن و ساختار آن نشانه‌های از عظمت، بزرگی، عبرت، درس آموزی، نظم، انجام و آیات دیگری نهفته است که بدون تردید نشانگر عظمت خداوند است.

اصول مدیریتی شهر در دوران پیامبر اسلام

تعیین نقیبان و نمایندگان سرپرست برای مدینه

حضرت رسول اکرم در مقدمه چینی برای هجرت در پیمان عقبه دوم، ۱۲ نماینده از مردم شهر برای ساماندهی و سرپرستی قوم از سوی خود مردم تعیین نمودند. در تاریخ طبری چنین آمده است: «پیامبر فرمود: دوازده نقیب برگزینید که به کار قوم خویش بپردازند و دوازده نقیب برگزیده شد. ابن اسحاق گوید: آنگاه پیامبر به نقیبان گفت: بر کار قوم خویش هستید و سرپرست آنهایید» (طبری، ۱۳۷۵، ص ۹۵۱). در موارد دیگر نیز حضرت پیامبر در غیاب حضور خود در مدینه جانشینی برای اداره امور شهر برمی گزید تا در غیاب او امور شهر را ضبط و ربط کند (عبدالستار عثمان محمد، ۱۳۷۶، ص ۵۰). این امر بیانگر مشارکت مردم و هم تعین سرپرست برای حیطه های مختلف اداره امور شهر در ابعاد مختلف می باشد.

تغییر نام شهر یثرب به مدینه نمونه ای از مدیریت تغییر ظاهر در راستای تغییر باطن

حضرت رسول اکرم در بدو ورود به به شهر یثرب نام شهر را به مدینه تغییر دادند. معنی لغوی خاصی نیز برای آن (یثرب) یاد کرده‌اند که عبارت از «لوم، فساد و عیب» (جعفریان، ۱۳۷۲، ص ۹۱). رسول اکرم با نهی از کاربرد کلمه یثرب، بجای آن شهر را مدینه و طابه و طیبه نامیدند (همان، ص ۹۱). پیامبر فرموده اند: کسی که مدینه را یثرب نام گذارد باید استغفار کند، مدینه پاک است (نظری منفرد، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵) که نشان از کاربرد و مدیریت تغییر ظاهر در راستای تغییر باطن و شروع تغییر مدیریتی از همین بدو ورود پیامبر به شهر مدینه با تغییر نام شهر در راستای خیر و نیکی و برکت بخشیدن به شهر است.

تغییر مفهوم یثرب به مدینه به مفهوم تغییر و تحول مدیریت قبیله ای به مدیریت شهری و خلق مفهوم شهروندی

با ظهور پیامبر رهبری الهی جایگزین شیخ قبیله ای

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

و توحید جایگزین شـرک و مسـئولیت پذیری جایگزین مسـئولیت گریـزی و مدیریت الهی جایگزیـن مدیریت شـرک آلـود گردیـد. تغییـر نـام یثـرب بـه مدینـه که اشـاره گردید سـرآغاز عینی تغییـر از مدیریت قبیله ای بـه مدیریت شـهری و خلق مفهوم شـهروندی در شـهر مدینـه پیامبـر اسـت. از آن پـس اسـت کـه بـه جـای شـنیدن نـام قبایـل، بـا نامهایـی از قبیـل اهـل مدینه، اهـل قبـا، اهـل طائـف مواجـه مـی شـویم و چنیـن نامهایـی بیانگـر تحـولات فرهنگـی و در شـهر مدینـه پیامبـر، روی آوردن بـه شهرنشـینی اسـت (عبدالسـتار عثمـان، ۱۳۷۶، ص ۵). لـذا مدیریت شـهری جایگزین مدیریـت قبیلـه ای گشـته و مفهـوم شـهروند در شـهر اسـلامی بـا مدیریت پیامبـر متولـد گردید.

مشاوره در سیستم مدیریت شهری رسول اکرم

آیاتـی نظیـر «وشـاورهم فی الامـر» و «وامرهم شـوری بینهم» زمینه سـاز مشـارکت همگانـی در مدینه النبی رسـول خـدا می باشـند کـه متضمـن همـکاری و هماهنگی تنگاتنگ مسـئولین اداره شـهر مدینه با آحاد و تـوده های مـردم مدینه بوده اسـت و حضرت نه فقط در مدیریـت جنگهـا بلکـه در مدیریـت کلیـه شـئونات شـهری از سیسـتم مشـورتی بـا صحابـه و تـوده هـای مـردم سـود می بردنـد .تشـکیلات و سـازمان مدیریتی مبتنـی بر بیعـت و مشـارکت همگانی و تاییـدات الهی شـکل گرفته و در خدمـت امـت بـود و از اسـتبداد و خودرایـی در آن خبـری نیسـت و مدیریت شـهری نیـز مبتنـی بـر مشـارکت همگانی توده هـای همگانـی بود .و اداره امـور شـهر بـا مشـارکت مومنـان و خردمنـدان و اهل حـل و عقـل و نخبـگان جامعـه اسـلامی صورت می گیـرد .خداوند متعال نیز مشـورت را مـورد تاکید و تشـویق قرار داده و آن را در کنار اسـتجابت دعا، نماز و انفاق مطرح نموده اسـت (سـاربانقلی و همـکار، ۱۳۸۸، ص ۱۱۵).

همبسـتگی نهادهـای و قومیتهـا و طایفـه های مختلـف شـهری در مدیریـت شـهری حضـرت رسـول اکرم

آغـاز ورود پیامبـر بـه مدینه مصادف اسـت بـا اختلاف قومیتهـای مختلـف نـژادی و قبیلـه ای در شـهر مدینه و نیـز اختلافـات عمیـق دو قبیلـه اوس و خـزرج کـه توسـط یهودیـان مدینه نیز آتـش این اختلافـات دامن زده می شـود .تدویـن نخسـتین پیمـان نامـه عمومـی در اسـلام در شـهر مدینـه توسـط رسـول اکـرم در همـان نخسـتین ماههـای ورودشـان بـه مدینـه کـه عهدنامـه ای اسـت میـان مهاجریـن و انصار از یک سـو و یهـود از سـوی دیگـر سـبب مدیریت صحیح شـهری در همبسـتگی نهادهـای مختلـف مردمـی در شـهر مدینـه گشـته اسـت. مـوارد عمده ایـن پیمان بـه نقل ابـن اسـحاق عبارتنـد از: زندگانـی مسـلمانان و یهـود ماننـد یـک ملـت در مدینـه، آزادی مسـلمانان و یهـود در مراسـم دینـی و عبـادی خـود، دفـاع از همدیگـر در صـورت حملـه دشـمن، دفاع مشـترک از شـهر مدینه، قـرارداد صلـح بـا دشـمن بـا مشـورت مشـترک، حرام شـدن خونریـزی در مدینه، قبول حکمیت رسـول اکرم بـه عنـوان آخریـن داور در حیـن نـزاع و اختـلاف (نقل بـه مضمـون از: آیتی محمـد ابراهیـم، ۱۳۶۶، ص ۲۳۴ به نقل از هشـام، سـیره النبـی، بیروت، دارالفکـر، ج ۲، صص ۱۱۹-۱۲۳).

پیدایـش تعلـق اجتماعـی در محیـط شـهری مدینـه

در نخسـتین سال ورود حضرت رسـول اکرم به مدینه یکـی از مهمتریـن ابتـکارات مدیریـت شـهری و پیوند لایـه هـای مختلف اجتماعی و طبقات مختلف در شـهر مدینـه افـزون بر پیوندهـای وحدت بخش دینـی پیوند عقـد اخـوت و بـرادری بین کلیه مسـلمانان اعـم از زن و مـرد مـی باشـد .رسـول خـدا در مجلسـی عمومـی فرمودنـد: تاخـو فـی الله اخویـن (آیتی محمـد ابراهیم، ۱۳۶۶، ص ۲۳۵). ایـن پیمـان بـرادری همگانـی بـر مبنـای نفـی انگیزه های قومـی و قبیلـه ای و بر مبنای محوریـت حـق و همـکاری اجتماعـی شـهری شـکل گرفت.

احیـای موقعیـت و نقـش اجتماعـی زنـان در مدیریـت شـهری پیامبـر

در گفتمان نبوی و در سیسـتم مدیریت شـهری رسول

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

اکـرم موقعیـت و نقـش اجتماعـی زنـان احیـا شـد و حضورشـان در عرصه هـای مختلـف اجتماعـی فراگیـر شـد (جمشـیدی ها، غلامرضـا و زائـری قاسـم، ۱۳۸۷، ص ۳۲). نیـاز بـه حضـور زنـان در عرصه هـای مختلف حیـات جمعـی سـبب تدوین و تقویـت نهاد خانـواده و نهـاد حجـاب در مناسـبات شـهری جامعه اسـلامی در گفتمـان نبوی در مدینه النبی گردید. در شـرایطی که حضـور زنـان خدمتـکاران و بـردگان زن و کنیـزان در اجتمـاع مردانـه جاهلی حضـوری بدلی و حاشـیه ای و حضـور زنـان طبقـات بـالا نیز حضـوری بـدل از حضور مـردان اشـراف بـود و زنـان در موقعیت هـای اجتماعی بودنـد تا برتـری مردان خود (ارباب یا شـوهر) را نشـان دهنـد و احتـرام دیگـران را رای او برانگیزنـد (اروجلـو فاطمـه، ۱۳۸۴، ص ۳۴). پیامبـر زنان را نیز وارد صحنه کـرد و بـه هنگام بیعت بـا زنان نیز بیعت نمـود؛ پیامبر در عصـری که مـردم فرزند دختر داشـتن را ننگ و عار می دانسـتند و از شـنیدن خبـر صاحـب دختـر شـدن چـه ره درهم می کشـیدند، از دخترش بـه بهترین وجه یـاد می کنـد، او را احتـرام می کنـد، لقب ام ابیهـا به او می دهـد و در قرآن هم سـوره کوثر در ثنـای او می آید و او را خیـر کثیـر معرفـی می کنـد (لک زایـی نجـف، ۱۳۷۹).

مدیریـت شـهری در راسـتای خلق مفهـوم امت اسـلامی و وحدت بخشـی و خلق مفهوم وحدت در آحاد مـردم مدینه

تـلاش پیامبـر در راسـتای خلـق نظامـی شـهری و مبتنـی بـر ارزشـهای اسـلام و امـت واحـده اسـت. خداونـد در قـرآن کریـم بارهـا از مفهـوم امـت واحـد سـخن گفته است. پیامبـر بـا انعقـاد نخسـتین پیمان نامـه عمومـی، به سـر سـامان دادن اجتماعـی، تحکیم وحـدت اجتماعـی و ایجـاد نظـام شـهروندی پرداخـت و بـا پیمـان اخـوت، مرزهـای، شـهری و قبیلـه ای را تغییـر داد و به جـای آن مرزهـای دینـی را بنیـان نهـاد (عبدالجلیـل، ۱۳۶۳، ص ۱۲۳-۱۲۴). عـلاوه بـر اینکـه نظام اعتقادی اسـلام سـبب نزدیکی شـهروندان در مدینـه به همدیگـر رديـد و نمـاز بـه سـوی قبله ای واحـد تجسـم عینی وحـدت جامعـه اسـلامی در قالب امـت بود؛ پیامبر بـا مفاهیمی مدیریتی نظیـر برقراری اخـوت بیـن مهاجـران و انصـار (نظـری منفـرد علـی، ۱۳۸۶، ص ۱۱۹)، پیمـان بـا یهـود (همـان، ص ۱۲۱) و تاسـیس مسـجد جامـع نبوی (شـریف قرشـی باقـر، ۱۳۸۷، ص ۲۲۷) بـرای وحـدت بخشـی و حضور مـردم شـهر، در عرصـه عمـل و نظـر و کـردار و گفتـار سـبب کمک بـه ایجـاد امت واحـده اسـلامی و وحدت مـردم شـهر مدینـه گردیدند .

توجـه بـه فضـای عرصه هـای اقتصـادی در مدیریـت شـهری پیامبـر

تـدارک منابـع درآمـدی بـرای تضمیـن موفقیـت سیاسـتهای شـهری و بهینه سـازی حیـات اقتصـادی شـهری یک ضرورت اسـت. مدیریت شـهری پیامبر در مدینـه بـدون توجـه مناسـب بـه عرصه هـای اقتصادی و سیاسـت های روشـن اقتصـادی نمی توانسـت بـه حیـات خـود ادامـه دهـد. فقـدان عدالت اقتصـادی نیز می توانـد ضمـن وارد کـردن آسـیب های جـدی بـه باورهـای شـهری نوپـای پیامبـر زمینه سـاز تشـدید دنیاطلبـی و فسـاد گـردد. در چنیـن شـرایطی حکـم پرداخـت زکات اعـلام و بـه مرحلـه اجرا گذاشـته شـد (رهبـر عباس علـی، ۱۳۷۶ به نقل از شـاکرند شـکرالله و دیگـران، ۱۳۸۶، ص ۱۱۷). از طرفـی با دسـتور زکات از سـوی خداوند متعال که بر مسـلمانان واجب گشـته اسـت، امـکان بهره گیـری عرصه هـای اقتصـادی نظیر ذکات توسـط پیامبر و تحت مدیریت شـهری حضرت برای بهبود کیفیت فضاهای شـهری میسـر بوده اسـت و زکات بخشـی از پشـتوانه اقتصادی سـاخت و سـاز در شـهر اسلامی مدینه و مدیریت شـهری پیامبر را فراهم می نمـود. عـلاوه بـر ایـن پیامبـر توجـه خاصـی بـه فضای بازار در شـهر مدینه داشـته اند. روایات بسـیاری داریـم کـه دخالـت پیامبـر در تعییـن محـل بـازار در مدینـه را تائیـد می نماید (سـهمودی علی بـن عبدالله، بی تـا، ص ۷۷۴).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

مسجد پیامبر فضای چندکاربردی و مرکز مدیریت شهری در شهر پیامبر

تاسیس بنای مسجد از نخستین اقدامات پیامبر در نخستین ماههای هجرت در شهر مدینه است. خود رسول خدا به بنای آن اقدام کرد و اصحاب نیز کمک می کردند (نظری منفرد علی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۱). پیامبر با ساخت فضای عبادی مسجد النبی که با کمک همه اهالی شهر مدینه و زیر نظر مستقیم پیامبر و با همکاری خود پیامبر ساخته شد؛ این مکان را مکان نماز و حکومت و اعمال مدیریت شهری در مدینه قرار داد. پیامبر علاوه بر برگزاری نمازهای پنج گانه در مسجد، از همان جا به اداره امور می پرداخت و به ارسال نیروهای نظامی و پذیرش نمایندگان قبائل اقدام می نمود؛ قضاوت می کرد و خصومتها و منازعات بین مردم را حل و فصل می کرد. بعلاوه مسجد پیامبر به تدریج به مرکز علمی و فرهنگی بدل شد، دارالشورای مسلمانان در امور عمومی و جنگ و صلح گردید. در عین حال مرکزی اجتماعی برای رسیدگی به نیازمندی های نیازمندان بود. از این حیث مسجد نهاد عمومی در جامعه اسلامی و رکن اساسی از ارکان دولت پیامبر بود؛ موسسه ای بزرگ که شامل فعالیتهای دینی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و آموزشی گسترده می شد (فیرحی داود، ۱۳۸۵، صص ۲۰۱-۲۰۲).

هدایت مدیریت شهری در راستای توسعه فضای سبز و افزایش سطح باغهای شهر مد ینه

عوامل متعددی توسط حضرت رسول اکرم سبب تشویق مردم به خلق و توسعه فضاهای سبز و باغات و کشاورزی در مدینه گردید. عرف بود که هر کس زمین بایری را آباد کند از آن او باشد (مالک ابن انس، ۱۳۷۰، ص ۷۴۳). افزون بر آن بسیاری از زمینهای زراعی میان اغلب مهاجران به شرط زراعت و باغداری و تداوم فضای سبز تقسیم شده است (بلاذری احمد ابن یحیی، ۱۹۶۵، ص ۲۲).

مدیریت شهری در راستای عمران و آبادانی زمین

آبادانی و عمران شهری از مسائل مورد تاکید در مدیریت شهری پیامبر بوده است. پیامبر فرموده اند: کسی ه زمین مرده ای را آباد کند، متعلق به خود اوست (حدیث شماره ۱۰، میرزایی علی اکبر، ۱۳۸۷، نهج الفصاحه، ص ۱۱-۱۲ و و نیز فرموده اند: بندگان، بندگان خدا هستند و سرزمین ها، سرزمین های خدا هستند پس هر کسی که چیزی (مقداری) از زمین مرده را، آباد کند، متعلق به خود اوست (حدیث شماره ۱۱، همان) و نیز فرموده اند: اگر کسی زمینی را که از آن کسی نیست، آباد کند، خود بدان سزاوارتر است (خرمشاهی بهاالدین و انصاری، ۱۳۸۷، ص ۸۵۹).

مدیریت شهری دانش محور و تقویت نهادهای آموزشی در شهر پیامبر

مدیریت شهری پیامبر علاوه بر اینکه دانش محور بود، عملاً به تقویت نهادهای مدنی و شهری آموزشی در شهر مدینه کوشش می نمود و ساختار مدیریت شهری پیامبر در مدینه همراه به خلق و تقویت نهادهای آموزشی اهتمام داشت. نهضت دینی قرائت و فهم و اجتهاد و استنباط در زمان پیامبر آغاز شد و رفته رفته و به تدریج گسترش یافت (امین احمد، ۱۹۷۲ م، ص ۱۹۸). پیامبر در شهر مدینه با مدیریت نهادهای آموزشی عملاً ستاد فرهنگی و خانه معلم تاسیس نمودند. پیامبر اسلام برای گسترش اسلام و آموزش قرآن، در مدینه خانه مخرمه ابن نوفل را به عنوان دارالقرا (خانه قاریان) مرکز تربیت معلم قرار داد و از این مرکز معلمان قرآن را به خارج از مدینه و دیگر شهرها اعزام می کرد. «واقدی» نقل می کند عبدالله ابن ام. مکتوم بعد از جنگ بدر همراه مصعب ابن عمیر وارد مدینه شد و در دارالقرا سکنی گزید (طبقات ابن سعد، ج ۵ به نقل از دکتر ثقفی سید محمد، ۱۳۸۰، ص ۷۶). شهر پیامبر آموزش و یادگیری و تعلیم علم جزو واجبات است. از حضرت نقل شده است: دانش بیاموزید (حدیث شماره ۱۲۵، میرزایی علی اکبر، ۱۳۸۷، نهج الفصاحه، ص ۳۲).

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

جدول ۵. مولفه های مدیریتی مورد نظر سیره نبوی؛ ماخذ: نگارنده بر اساس ساربانقلی و همکار، ۱۳۸۸.

راهکار مدیریتی	نمود در شهر پیامبر	استفاده در شهرهای معاصر
تعیین نقیبان شهری	(*) انتخاب سرپرست برای مدیریت مباحث گوناگون شهر مدینه، (*) تخصص گرایی در مدیریت شهری مد ینه	(*) مدیریت شهری بهینه، (*) تخصص گرایی، (*) انتخاب سرپرست برای حوزه های شهری
تغییر نام شهر	(*) تغییر نام شهر یثرب (فساد و تباهی) به مدینه (پاک و طیب)؛ (*) تجلی ایده آل های شهری در انتخاب نام های شهری.	(*) انتخاب نام نیکو برای شهر؛ (*) گزینش بهترین نام؛ (*)یادآوری مفاهیم نیکو در شهر؛ (*)فضای ذکر
تغییر مدیریت قبیله ای به مدیریت شهری	(*) تحول مدیریت شهری مدینه از حالت قبیله ای و طایفه ای و قومی به سمت مدیریت شهری؛ (*) دوری از مدیریت مبتنی بر قوم و قبیله و نژاد	(*) پرهیز از مدیریت قبیله-ای؛ (*) سوق دهی به مفاهیم مدنی؛ (*) مدیریت بر مبنای مفاهیم شهری؛ (*) پرهیز از رانت های قوم و خویشی در مدیریت شهری
مشاوره در نظام مدیریت شهری	(*) سیستم مدیریتی مشورت محور و حداکثر بهره از مشارکت مردمی و مشورت در شهر مدینه؛ (*) مشارکت دادن مردم در حوزه های مختلف اداره امور شهر مدینه؛ (*) تقویت روح اعتماد به نفس و ارتقای آگاهی عمومی	(*) بهره گیری از نظام مدیریتی شورایی؛ (*)بهره گیری از تخصص های گوناگون در مشورت؛ (*) بهره گیری از حداکثر سیستم مشارکت مردمی؛ (*) امکان مشارکت مردم در اداره و مدیریت شهر در مراحل مختلف سازمانی.
تعلق اجتماعی	(*) تقویت حس مکانی در شهر مدینه؛ (*)تقویت روح جمعی مدنی در شهر مدینه؛ (*) پیمان اخوت در شهر مدینه	(*) مظاهر مدنی شهر؛ (*) تقویت مظاهر زندگی جمعی؛ (*) تضعیف ساختارهای فردی و قومی و قبیله ای در قبال افزایش تعهد و تعلق اجتماعی شهر ی
احیای نقش اجتماعی زنان	(*) حضور فراگیر زنان در عرصه های زندگی شهری مدینه؛ (*) احیای موقعیت و نقش اجتماعی زن؛ (*) کنش متقابل اجتماعی با در نظر گرفتن مفهوم حجا ب	(*) توجه مباحث کرامت و حفظ حقوق زن در عرصه شهری؛ (*) مدیریت مبتنی بر نقش زنان در فضاهای شهری

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

مفهوم امت اسلامی	(*) نظام شهروندی مبتنی بر ارزشهای انسانی و دینی در شهر مدینه؛ (*) پیمان اخوت و برادی میان مهاجران و انصاردر شهر مدینه؛ (*) تاسیس مرکزیت مدیریت شهری در قالب مسجد نبوی در شهر مدینه؛ (*) پیمان با یهود محوریت حق و کلمه توحید؛ (*) مقابله با موانع وحدت در مدیریت شهری؛ (*) مدینه: تخریب مسجد ضرار مدینه	(*) مرزهای عام و جهانشمول دینی به جای مرزهای محدود فیزیکی؛ (*) نظام مبتنی بر ارزشهای انسانی؛ (*) ایجاد روحیه الفت و پیوند میان طبقات مختلف جامعه شهری؛ (*) مرکزیت واحد در مدیریت شهری تمرکز مدیریتی؛ (*) مرکز هماهنگی واحد در ساختارهای شهری؛ (*) تقویت نهادهای وحدت بخش شهری؛ (*) حذف موانع وحدت بخشی در شهر.
موقعیت اقتصادی	(*) بهره گیری از فضای اقتصادی در شهر مدینه؛ (*) اخراج از تعرب به تحضر در شهر مدینه.	(*) تبدیل تهدید به فرصت در عرصه مدیریت شهری؛ (*) تقویت ساختارهای شهری و شهرنشینی.
توجه به عرصه های اقتصادی	(*) توجه به مفهوم عدالت اقتصادی در عرصه های مدیریت شهری مدینه؛ (*) وجوب ذکات به عنوان یکی از پشتوانه-های تقویت کننده اقتصاد شهری؛ (*) توجه به فضای بازار و عرصه اقتصاد شهری؛ (*) دخالت پیامبر در تعیین محل بازار در مدینه؛ (*) تاسیس بازار مستقل برای مسلمانان شهر مدینه	(*) سیاست های روشن اقتصادی؛ (*) توجه به مفهوم عدالت اجتماعی در تولید و توزیع ثروت اجتماعی؛ (*) معیار دینی برای تولید و توزیع فعالیتهای اقتصادی؛ (*) توجه به مکان گزینی مناسب فضای بازار و مکانهای فعالیت‌های اقتصادی در شهر؛ (*) تاسیس فضاهای مستقل اقتصادی در فضاهای شهری؛ (*) توجه به تولیدات داخلی.
تعاون و همکاری	(*) احیای روحیه تعاون و همکاری در تمام سطح مدیریت شهری مدینه؛ (*) اصل کلی مدیریت شهری مدینه؛ (*) مرکزیت اجتماعی و شهری و فرهنگی و آموزشی مدینه با تعاون همه شهروندان؛ (*) مشورتهای مدیریتی پیامبر و خلق روحیه تعاون و همکاری در تمامی سطو ح	(*) احیای روحیه تعاون و همکاری در تمام سطح مدیریت شهری؛ (*) همکاری و تعاون شهروندان در ساخت مراکز شهری؛ (*) ایجاد روحیه پاسخگویی متقابل در تمامی سطوح مدیریت شهری؛ (*) تعاون و همکاری در جنگ و صلح، در سفر و حضر برای مباحث مختلف شهری.
وقف	(*) پیامبر اکرم(ص) مبدع سنت وقف در شهر مدینه؛ (*) ساخت و ساز شهری در مدینه؛ (*) تداوم حیات فضاهای وقف شده؛ (*) افزایش فعالیت عمرانی با سنت وقف	(*)تداوم مدیریت فضاهای شهری؛ (*) ساخت و ساز و عمران شهری؛ (*) ارتباط معنوی با مفاهیم مذهبی بقای آثار موقوفه؛ (*) ترمیم و مرمت ابنیه موقوفی در شهر حفظ فضاهای شهری.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

مسجد فضای چند کاربردی و مرکز مدیریت شهری	(*) تاسیس بنای مسجد اولین اقدام عمرانی پیامبر در شهر مدینه؛ (*) با کمک همه اهالی مدینه و زیر نظارت و طراحی شخص پیامبر ساخته شده؛ مکان نماز، حکومت فضای عبادی، فضای شهری+ مرکز مدیریت شهری؛ (*)مرکز اداره کلیه امور شهر و مرکز ارتباط با مردم و قضاوت و فضای فرهنگی ومکان رفع اختلافات و مرکز اجتماعی و نهاد عمومی	(*) مرکزیت شهر مسجد جامع؛ (*) مرکزیت محلات مسجد محلات مرکزیت شهرک مسجد شهرک مکان نماز؛ (*) فضای عبادی و فضای شهری
فضاهای بهداشتی	(*) تاکید بر رعایت بهداشت فردی و جمعی در شهر پیامبر؛ (*) بهداشت آب، مدیریت دفع مواد زاید؛ (*) بهداشت اماکن عمومی، بهداشت مسکن، بهداشت مواد غذایی؛ (*) بهداشت صوتی و حفظ محیط زیست در شهر پیامبر؛ (*) توجه به پیشگیری و ایمنی و سلامت در شهر پیا مبر	(*) اهمیت وجود فضاهای بهداشتی در فضاهای شهری؛ (*) توزیع متناسب فضاهای خدماتی بهداشت در عرصه شهر؛ (*) توجه به مدیریت بهینه بهداشت آب؛ (*) مدیریت دفع مواد زاید، بهداشت اماکن عمومی، بهداشت مسکن، بهداشت مواد غذایی، بهداشت صوتی و حفظ محیط زیست
توسعه فضای سبز	(*) افزایش سطح باغهای شهر مدینه، (*) تشویق مردم به باغداری و کشاورزی	(*) افزایش سطح فضای سبز در ابعاد خرد و کلان شهری؛ حیاط، پارک، فضای سبز (رفیوژ)؛ (*) اهمیت به فضاهای سبز ایجاد شده توسط شهروندان.
ساماندهی بی-خانمان ها	(*)توجه ویژه به اصحاب صفه مدینه؛ (*) سکونت موقت محرومان نگرش کوتاه مدت در کنار نگرش بلندمدت به محرومان شهر مدینه؛ (*) حل مسکن و خوراک؛ (*) فرصتهای شغلی دائمی برای اصحاب صفه؛ (*) توصیه های اخلاقی برنامه ریزی مدیریتی در راستای ایجاد زندگی معمولی و آبرومند برای اصحاب صفه.	(*) توجه به محرومان در ابعاد مختلف مدیریت شهری سکونت موقت؛ (*) نگرش کوتاه مدت در کنار نگرش بلند مدت به محرومان شهری؛ (*) حل نیازهای فوری محرومان شهری.
دانش محوری	(*) تقویت نهادهای آموزشی مدینه؛ (*) تاسیس خانه معلم؛ (*) رفع بی سوادی در شهر مدینه؛ (*) مرکز تربیت معلم در شهر مدینه؛ (*) وجوب تعلیم و تربیت در شهر پیامبر؛ (*) تحسین و سفارش به علم آموزی.	(*) تقویت نهادهای آموزشی و یادگیری در فضاهای شهری؛ (*) گسترش فضاها و نهادهای علمی؛ (*) دسترسی آسان به اطلاعات شهر؛ (*) سهولت دسترسی به دانش در سطح مدیریت شهری برای شهروندان.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]



نمودار ۱۱. فرایند ظهور مصادیق شهر اسلامی؛ ماخذ: نقی زاده؛ ۱۳۸۹.

نتیجه گیری و جمعبندی

در نگرش دینی به دلیل حضور خداوند، اعتقاد به اصل توحید و مسؤولیت انسان و همچنین این نکته که سعادت انسان صرفاً در شادی و مصرف به حد و حصر و ارضا غرایز صرفِ حیوانی نیست، نگرش و رفتار انسان به طبیعت نیز متفاوت است. از این رو انسان تلاش ندارد تا به نحوی افراطی بر طبیعت مسلط و چیره شود و آنرا صرفاً به خاطر ارضای خواسته‌ای نفسانیش نابود نماید. انسان در این چهارچوب خویشتن را در برابر طبیعت و هستی مسؤول و موظف می‌داند، گرچه بر آن سلطه دارد و در آن دخل و تصرف می‌کند، ولی تصرفش بی حد و حصر نیست. او به هستی و طبیعت به منزله‌ی مخلوق خداوند و موجودی ذی شعور، احترام و حرمت قایل است. آن را متعلق به خود نمی‌داند تا هر گونه که خواست با آن رفتار نماید. طبیعت را متعلق به خدا و دیگر مخلوقات و دیگر انسانها می‌بینند. در عصر تجدد، طبیعت به مثابه‌ی دشمن انسان رسمیت یافت و بشر وظیفه خود دانست تا در آن دخل و تصرف نماید و آنرا زیر چنگال سلطه‌آمیز خویش قرار داد. انسان با خصومتی وصف ناپذیر جهان را عرصه‌ی تاخت و تاز ارضا غرایز خویش ساخت بدون آنکه به عواقب چنین عمل خودسرانه‌ای بیندیشد. به طور خلاصه در جامعه اسلامی (یا شهر آرمانی)، دادگری و عدالت محور تمامی فعالیت‌ها است و در این اصل در آن برقرار است. عدالت و دادگری به منزله یکی از خصوصیات مؤمن و جامعه اسلامی و همچنین به منزله‌ی یکی از اهداف چنین جامعه ای، راهگشای روابط زندگی فرد و جامعه است. فرد مؤمن بر این قاعده زندگی خویش را پی می‌ریزد و با دیگر انسانها ایجاد رابطه می‌کند. این معیار نه تنها میزان ارتباط وی با مسلمانان بلکه شاخصِ رفتار وی

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

با دیگران نیز می‌باشد. در حوزه‌ی حکومت، سیاست و قضاوت نیز اسلام فرمان به عدالت می‌دهد. قرآن کریم ضمن یادآوری اینکه مسؤولیتها و امانتها را باید به شایستگان با کفایتان آن سپرد. بیان می‌دارد که هر گاه میان مردم حکم و فرمانی را ندید، به عدالت حکم کنید.۱ لذا قاعده‌ی عدالت، در حوزه‌ی زندگی اجتماعی و روابط میان مردم و حکومت، قاعده‌ی بنیادین است و طرفین به منظور سامان و تداوم نظم و نظام سیاسی باید آنرا پاس بدارند. چنانچه مردم و حکومت، بر تحقق و استحکام چنین معیاری اصرار بورزند، نظم، امنیت، رفاه و ثبات و تداوم حکومتشان تحقق خواهد یافت و چنانچه آنرا پاس ندارند و حرمتش را زیر پا نهند، نظم اجتماعی و زندگی سیاسی دچار چالش و تهدید خواهد شد و نهایتاً به ظلم و ستم و در نتیجه به سقوط و انحطاط خواهد انجامید. در هر صورت به نظر می‌آید یکی دیگر از مؤلفهای شهر اسلامی، آزادی است. این آزادی مشمول تمام حوزه‌های فردی، اجتماعی، دینی و سیاسی است. و در جامعه اسلامی وظیفه شهروندان و دولت نسبت به یکدیگر این است که حق را پاس بدارند. در همین چهارچوب باید گفت که تحقق سعادت و خبر حقیقی، در اندیشه دینی که به وسیله‌ی ایمان به خدا و انجام مناسک و عبادت الهی و در یک کلام در گرو کسب رضایت پروردگار به دست می‌آید، منوط به تحقق امنیت در انجام مناسک و عبادات الهی است. تا زمانی‌که در جامعه و اجتماعی فرد در آرامش و امنیت نباشد و دغدغه اساسی وی برآوردن امنیت باشد. امکان پرداختن وی به فضایل و خیرات بالاتر و آرمان‌ها و ارزش‌های انسانی خود به خود منتفی است. در هر صورت به نظر می‌آید شرط اساسی تحقق خیر و سعادت حقیقی جامعه منوط به تحقق و استحکام «امنیت» است. از مطالب گذشته چنین می‌توان نتیجه گرفت که شهر یا جامعه‌ی اسلامی معطوف به اصول و مبانی و نوعی نگرش خاص نیست به هستی، انسان و آخرت و خدا است. این مبانی و اصول اساساً ویژگی‌ها و خصلت‌های شهر اسلامی را توضیح میدهد. شهر نظمِ اجتماعی که متکی به چنین نگرش و اصولی باشد و روابط افراد و نظم اجتماعی بر مبنای آن شکل پذیرفته باشد. شهری اسلامی است و شهری که نظم و روابط اجتماعی اش مبتنی بر این اصول نباشد، شهری اسلامی نیست. انسان در برابر بهره‌مندی از طبیعت مسئول است و در این باده از وی بازخواست خواهد قرار می‌گیرد. همانگونه که هر کسی نسبت به دیگری مسؤول است. «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیته» در مقابل طبیعت و ابعاد آن نیز مسؤول است و نمی‌تواند نسبت به سرنوشت و سرانجام آن غافل و احساس بی مسؤولیتی کند. در هر صورت در جامعه آرمانی (یا شهر اسلامی) انسان با طبیعت همساز، یکسان و انیس است. شهر اسلامی به نحوی بنا و پی ریزی نمی‌شود که نشانگر مخالفت انسان، طبیعت باشد. روحیه اسلامی و نگرش فرد دیندار به جهان پیرامون خود به آنها اجازه نمی‌دهد که با طبیعت دشمنی ورزند، در آن دخل و تصرف بی‌اندازه کنند و بر آن صدمه و زیان بی‌حد و حصر رسانند. انسان به عنوان موجودی مسؤول در برابر طبیعت به منزله‌ی مخلوق خداوند، مسؤولیت و وظیفه دارد. گرچه انسان در عرصه طبیعت دخالت می‌کند اما آن را دفتری برای علم‌آموزی، معرفت، کسب دانش، عبرت، آیت و عظمت خداوند می بیند. فهم و درک مفاهیم مدیریت شهری پیامبر مستلزم درک مبانی و مفاهیم سیره پیامبر و توجه هم زمان به منابع اصیل اسلامی و دانش مدیریت شهری است. نگرشهای مدیریت شهری پیامبر در مدینه امکان حصول و کاربرد در شهرهای امروزین ما را نیز داراست. رجوع به سنت پیامبر و بررسی مباحث مطرح شده در شیوه های مدیریت شهری پیامبر در مدینه ما را به چشم اندازهای مدیریت شهری ای می رساند که متاسفانه امروزه از این ساحت های گسترده حکمت و معرفت نبوی در جهان امروز و شهرهای معاصر و شهرسازی امروز و جامعه امروز خبری نیست. مفاهیم مدیریت

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

شـهری حضـرت رسـول اکـرم در شـهر مدینـه بـه عنـوان نمـودی از تجلـی زیبـای مدیریـت شـهری در شـهر اسـلامی در قالـب محورهـای: تعییـن نقیبـان و نماینـدگان سرپرسـت بـرای مدینـه، تغییـر نـام شـهر یثـرب بـه مدینـه نمونـه ای از مدیریت تغییـر ظاهر در راسـتای تغییـر باطـن، تغییر مفهوم یثرب بـه مدینه به مفهـوم تغییـر و تحـول مدیریـت قبیله ای بـه مدیریت شـهری و خلق مفهوم شـهروندی، مشـاوره در سیسـتم مدیریـت شـهری رسـول اکـرم ، همبسـتگی نهادهای و قومیتهـا و طایفه هـای مختلـف شـهری در مدیریـت شـهری حضرت رسـول اکرم ، پیدایش تعلق اجتماعی در محیط شـهری مدینـه، اهمیت ویژه به شهرنشـینی و اهمیـت شـهر در قبـال کـوچ نشـینی و بیابانگـردی، احیـای موقعیـت و نقـش اجتماعـی زنـان در مدیریـت شـهری پیامبـر، مدیریـت شـهری در راسـتای خلـق مفهـوم امـت اسـلامی و وحدت بخشـی و خلـق مفهوم وحـدت در آحـاد مردم مدینـه، بهره گیـری از موقعیت هـای اقتصـادی برای تـداوم و تحکیم مدیریت شـهری در شـهر پیامبـر، توجه بـه فضای عرصه هـای اقتصادی در مدیریـت شـهری پیامبـر ، جوان گرایـی در حیطـه مدیریت شـهری، ثبـت آمار و توجه بـه واقعیات موجود در مدیریـت شـهری پیامبـر ، ایجـاد روحیـه تعـاون و همـکاری در تمامـی نیروهای انسـانی سـطوح شـهری مدینـه، تـداوم مدیریت فضاهای شـهری با سـنت وقف در شـهر مدینـه، مسـجد پیامبر فضای چنـد کاربردی و مرکـز مدیریـت شـهری در شـهر پیامبـر ، مدیریـت شـهری امور مربـوط به بهداشـت و فضاهای بهداشـتی در شـهر پیامبر ، مدیریت شـهری پیامبر و شـیوه های گـذر از جامعـه جاهلـی بـه جامعـه اسـلامی مدینـه، هدایـت مدیریـت شـهری در راسـتای توسـعه فضـای سـبز و افزایـش سـطح باغهـای شـهر مدینـه، مدیریت شـهری در راسـتای عمـران و آبادانـی زمیـن، مدیریت شـهری در سـاماندهی بـه بی خانمان هـا و مهاجریـن فاقـد قـدرت مالـی مناسـب و رسـیدگی بـه محرومان، مدیریـت شـهری دانش محـور و تقویـت نهادهـای آموزشـی در شـهر پیامبـر؛ قابل تبیین اسـت کـه مورد اشـاره قـرار گرفـت. در پایـان بایـد گفـت کـه در شـهر اسـلامی، اصلِ اساسـی اعتقادِ انسـان به خدا، حاکمیت وی، ایمـان به جهان آخرت و جهان ماورا طبیعه اسـت. در جامعـهٔ اسـلامی یـا در یـک شـهر اسـلامی تمامـی انسـانها دارای نوعـی برداشـت مشـترک در ایـن ارتباط انـد. محـور چنین نگرشـی اصـلِ حاکمیت خدا اسـت. ایمـان بـه وی و اینکـه خداونـد در زندگی بشـر حضور دارد، برداشـت انسـان از نفـس خـود، جهـان و طبیعت و رابطـه‌ی خـود بـا آنهـا را دگرگـون می‌کنـد. در ایـن چهارچـوب سـعادت و خیرحقیقی به عنـوان بزرگترین آرمان بشـر کسـب رضایت خدا اسـت، و انسـان در این فضـا اسـت کـه بـه تـلاش و تکاپـو می‌پـردازد. در هـر صـورت شـهر اسـلامی زمانـی تحقـق می‌یابد کـه افراد در عالـم دینـی قـرار گیرنـد و بـه ایـن اصـول و مبانـی ایمـان داشـته باشـند. شـهری اسـلامی بـدون تردید با سـاختن مسـجد، حسـینیه، و مظاهـر دینی و اسـلامی نمی‌شـود بلکـه در صورتـی تحقـق مـی یابـد کـه عالم دینـی تحقـق یافته باشـد.

منابع و ماخذ

آخونـدی و دیگـران، (۱۳۸۷)، «آسـیب شناسـی مـدل اداره شـهر در ایـران»، مجلـه پژوهشـهای جغرافیایـی، شـماره ۶۳.

اروجلـو، فاطمـه (۱۳۸۴) حضرت محمـد(ص) و مقابله بـا اشـرافی گری، فصلنامـه تاریـخ اسـلام، شـماره ۲۲، قـم، انتشـارات دانشـگاه باقرالعلوم.

اکرمـی، ابوالفضـل (۱۳۷۵) بـازار در تمـدن اسـلامی، فصلنامـه پژوهشـی دانشـگاه امـام جعفـر صادق، سـال اول، شـماره سـوم.

امیـن، احمـد (۱۳۷۲) فجرالاسـلام ج ۱، قاهره، مکتبه النهضتـه المصریه.

اهلـرز، اکهـرت (۱۳۷۴) موقوفـات دینی و شـهر شـرق اسـلامی، ترجمـه دکتـر مصطفـی مومنـی و دکتـر محمدحسـن ضیا توانا، نشـریه میراث جاودان، تابستان ۱۳۷۴، شـماره ۱۰، سـال سـوم، شـماره ۲.

اورانجـی، مـارک، (۱۳۸۷)، «برنامه‌ریـزی و چرخـش پسـامدرن: در کتـاب آینـده برنامه‌ریـزی»، مترجـم:

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

عـارف اقوامـی، انتشـارات آذرخـش، تهـران.
آیتـی، محمدابراهیـم (۱۳۶۶) تاریـخ پیامبـر اسـلام، چـاپ چهـارم، دانشـگاه تهـران، تهـران.
ایمانـی جاجرمـی، حسـین (۱۳۸۷) «بررسـی جامعه‌شـناختی شـوراهای اسـلامی بـا رویکـرد کیفـی نظریـه بنیانـی»، پژوهشـنامه شـوراها، مرکـز تحقیقات اسـتراتژیک مجمـع تشـخیص مصلحـت نظـام، ۱۳۸۷.
ایمانـی جاجرمـی، حسـین (۱۳۸۷) «بررسـی نقـش سـازمان‌های غیـر دولتی در توسـعه شـهری» مجموعه مقـالات مدیریـت شـهری پایـدار، انتشـارات سـازمان شـهرداری‌های کشـور، چـاپ دوم، ۱۳۸۳.
برک‌پـور، ناصـر و ایـرج اسـدی، (۱۳۸۸) «مدیریـت و حکمروایـی شـهری»، انتشـارات دانشـگاه هنـر، تهران.
برک‌پـور، ناصـر، (۱۳۸۱) «گـذار از حکومت شـهری به حاکمیت شـهری در ایران»، رسـاله دکتری شهرسازی، دانشگاه تهران.
برک‌پـور، ناصـر، (۱۳۸۵)، «حاکمیـت شـهری و نظـام اداره شـهرها در ایـران»، مجموعـه مقـالات کنفرانـس برنامه‌ریـزی و مدیریـت شـهری، شـیراز.
بـلاذری، احمد ابن یحیی (۱۹۶۵) فتـوح البلدان، ج ۱، تحقیـق صلاح الدین منجـد، القاهره.
پرهیـزکار، کمـال، (۱۳۸۲) «تئوریهـای مدیریـت»، انتشـارات آگاه.
ترنـر، برایان .اس (۱۳۸۰) وبر و اسـلام، ترجمه حسـین بسـتان، قم، پژوهشـکده حوزه و دانشگاه.
ترنـر، مـارک و دیویـد هیـوم، (۱۳۸۴) «حاکمیـت، مدیریـت و توسـعه»، مترجم: عباس منوریان، مؤسسـه عالـی آمـوزش و پژوهـش مدیریـت و بازرگانـی.
تصدیقـی، علـی، (۱۳۸۳) «نظریـه حاکمیـت خـوب، توانمندسـازی دولـت»، طـرح پژوهشـی حاکمیـت خـوب(۶)، تهـران، مرکـز پژوهشـهای مجلـس شـورای اسـلامی.
ثقفـی، سـیدمحمد (۱۳۸۰) علـم و اندیشـه در تمـدن اسـلامی، فعالیـت آموزشـی در زمـان پیامبـر (ص)، درسـهایی از مکتـب اسـلام، قـم، سـال ۴۱، شـماره ۴، تیرمـاه ۱۳۸۰، شـماره ۴۸۴.
جعفریـان، رسـول (۱۳۷۲) نفـوذ اسـلام در یثـرب، فصلنامـه میقـات حج، سـال دوم شـماره ۱۱۰، ششـم، حـوزه نمایندگـی ولـی فقیـه در حـج و زیـارت، تهران.
جمشـیدی هـا، غلامرضـا و زائـری قاسـم (۱۳۸۷) سیاسـت گذاری فرهنگـی پیامبـر اسـلام و تاثیـر آن بر موقعیـت فرهنگی-اجتماعـی زنـان در زیسـت جهـان جاهلـی، فصلنامه علمی پژوهشـی پژوهـش زنان، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشـگاه تهـران، تهران، دوره ۶، شـماره ۴.
حتـی، فیلیـپ (۱۹۶۵) تاریـخ العـرب ج ۱، بیـروت، بی نـا.
حریـری، محمـد یوسـف (۱۳۶۲) اسـلام و عقایـد اقتصـادی، انتشـارات امیـری، تهـران.
خاکرنـد، شـکر الله و دیگـران (۱۳۸۶) پیامبـر اسـلام (ص) و جهـان بینـی تمدن سـاز دینـی، فصلنامه علمی پژوهشـی اندیشـه دینـی دانشـگاه شـیراز، شـیراز، بهار ۸۶.
خامنـه ای، علـی، بـی تـا، درس هایـی از نهـج البلاغه، تهـران، انتشـارات سـید جمال.
خرمشـاهی، بهاالدیـن و انصـاری مسـعود (۱۳۸۷) پیام پیامبـر مجموعـه‌ای از نامه ها، وصایا، دعاها و تفسـیرها و سـخنان جامع و فراگیر حضرت محمد (ص)، شـرکت انتشـارات علمی و فرهنگـی، تهران.
خویـی، ابولقاسـم (۱۹۹۶) البیان فی الفسـیر القرآن، ج ۱، نجـف، مطبعه الاداب.
داوری اردکانـی، رضا (۱۳۸۲) شـهر و سـاکنانش، مجله نامه فرهنگ، شـماره ۴۷.
رسـولی، محلاتی (۱۳۸۵) زندگانی حضرت محمد(ص) خاتـم النبییـن، چـاپ ۲۱، تهـران، دفتـر نشـر فرهنگ اسلامی.
رضاییـان، علـی (۱۳۷۶) اصـول مدیریـت، سـازمان مطالعـه و تدویـن کتـب علـوم انسـانی سـمت، تهـران، چـاپ هشـتم.
رهبـر، عبـاس علـی (۱۳۷۶) شـیعه و فرهنگ توسـعه، فصلنامـه حکومـت اسـلامی اندیشـه و فقـه سیاسـی اسـلام، پاییـز ۷۶، شـماره ۵، وابسـته بـه دبیرخانـه

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

مجلس خبرگان رهبری، قم.
رودگر، محمدجواد (۱۳۸۵) اصول اخلاقی در مدیریت نبوی، فصل نامه حکومت اسلامی، شماره ۴۲، سال یازدهم، شماره چهارم، زمستان، وابسته به دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، قم.
ساربانقلی، حسن و حسین ذبیحی (۱۳۸۸) نگرشی بر مفاهیم مدیریت شهری حضرت رسول اکرم (ص) در شهر مدینه تجلی زیبای مدیریت شهری در شهر اسلامی؛ فراسوی مدیریت، شماره ۳.
سبحانی، جعفر (۱۳۸۵) فروغ ابدیت تجزیه و تحلیل کاملی از زندگانی پیامبر اکرم(ص)، بوستان کتاب، قم .
سعیدنیا، احمد (۱۳۷۹) مدیریت شهری، سازمان شهرداریهای کشور، جلد یازدهم، تهران.
سعیدنیا، احمد، (۱۳۷۹) «مدیریت شهری، کتاب سبز شهرداری»، جلد یازدهم، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران.
سهمودی، علی بن عبدالله (۱۳۷۴) وفائ الوفا ج ۱، تحقیق محی الدین عبدالحمید، القاهره، بی نا.
سیف الدینی، فرانک (۱۳۷۸) روند شهرنشینی مساله شهرهای بزرگ، نشریه علمی پژوهشی پژوهشهای جغرافیایی، شماره ۲۱.
صرافی، مظفر (۱۳۷۹) «مفهوم، مبانی و چالش‌های مدیریت شهری»، فصلنامه مدیریت شهری، س ۱، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۹.
طاهری، ابولقاسم، (۱۳۷۰)، «حکومت محلی و عدم تمرکز»، انتشارات قومس، تهران.
عسگری، علی و همکاران، (۱۳۸۲) «طرح تحقیقاتی: طراحی سیستم مدیریت مجموعه‌های شهری»، جلد دوم، پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری وزارت کشور.
فاینشتاین، سوزان و نورمن فاینشتاین، (۱۳۸۰)، «برنامه‌ریزی شهری و ارزشهای سیاسی»، مترجم: ناصر برک‌پور، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۵.
لاله‌پور، منیژه، (۱۳۸۶)، «حکمروایی شهری و مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه»، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹و۲۰، سال ۶.
مهدیزاده و دیگران، (۱۳۸۲)، «برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری»، وزارت مسکن و شهرسازی،معاونت معماری و شهرسازی.
مهدیزاده، جواد، (۱۳۸۰)، «به سوی شهرسازی دموکراتیک»، مجله مدیریت شهری،شماره۵.
هربرت جی، هیکس سی، ری گولت، (۱۳۷۷)، «تئوریهای سازمان و مدیریت»، مترجم: دکتر گوئل کهن، انتشارات دوران، تهران.
Astleithner, F and Hamedinger, A., (2003), Urban Sustainability as a New Form of Governance: Obstacles and Potentials in Case of Vienna, Journal of Innovation, Vol. 16, No.1, pp. 51-75.
Clark, Brian, D., (1981), Urban Planning in Iran: Chang and Development in the Middle East, British library.
Counsell, Dave snd Graham Haughton, (2006), Advancing Together in Yorkshire and Hubefide in book: territory, identity and spatial planning.
Hall, Peter and Ulrich Pfeiffer, (2000), Urban Future 21, spon press.
Healey, P., (2006), Collaborative Planning, second edition, Palgrave macmillan.
Jain, A. K., (2003), Actioning New Partnerships for Indian Cities, Cities,Vol.21,No.1,pp. 41-55.
Jonathan S., Davies, (2002), The Governance of Urban Regeneration: A Critique of the Governance Without Government, public Administrating, Vol. 80, No. 2.
Macleod, Gordon and Martin Jones, (2006), Mapping the Geographies of UK Devolution, in book: Territory, hdentity, Spatial Planning, P. 336-339.
Mary Kauzya, john, (2003), Local Governance Capacity Building for Rang Participation in Africa Countries, Discussion Paper Seris, No.33, Avail-

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

able at: www.cdt.iao.florence.it

Mc Gill, R., (1994), Institution Development and the Notion of Sustainability,the International Journal of Public sector Management, Vol. 6-7, ABI, Inform Global, Pg.26,pp. 26-40.

Mc Gill, R., (1998), Urban Management in Developing Countries, Cities, Vol. 15, No.6, pp. 463-471.

Mehta, (1998: p. 6, 1998), Some Attributes of Good Governance and Cities, Urban Governance: Lessons from Best practicea in Asia, UMP-Asia occasional paper,No.40

Morphet, Janice, Global Localism, in book: Territory, identity, Spatial Planning, P. 308.

Osziak, Oscar, (2000), Building Capacity for Governance in Argentina, Asia Review of public Administration, Vol. 7, No. 10.

Pacione, M., (2005), Urban Geography, second edition by Routledge.

Plerre.j-petters, G. (2000), Governance, Politices and the State, Macmillan press,London,P:2).

Rakodi, C., (2001), Forget Planning, Put Politics First? Priorities for Urban Management in Developing Countries, Journal of JAG l Volume 3 - Issue 3.

Salet, William & et al, (2003), Metropolitan Governance and Spatial Planning, London, spon press.

Williams, G., (1999), Metropolitan Governance and Strategic Planning: A Review of Experience in Manchester, Melbourne and Toronto, Journal of Progress in Planning 52, 1-100

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-27]